

حقیقت

شماره ۱۱۹ ۱۳ اردیبهشت ۱۳۶۰

تفرقه شیعه و سنی را چگونه علاج باید کرد

هنگامی که میگویم حکومت مشروطه خود زمینه ساز آنست و با تقاضای ارتجاعی و امپریالیستی است منظور ما تنها این نیست که عناصرا ارتجاعی در درون این حکومت توطئه میکنند و قصد برقرار کردن یک حکومت وابسته به بیگانگان و استبداد دارند، منظور ما تنها این هم نیست که این حکومت با تنگ بینگی در صفحه ۴۰

سرمقاله:

در هفته های اخیر جو خطرناکی در جامعه دامن زده میشود، که با کمی تعمق میتوان فهمید که ملا آقاها نسبیست، سازمانها یافته و طبق نقشه است، ناگهان همزمان با قطع مذاکرات صلح توسط صدام و سفر هیئت و معاونش به خاور میانه و عراق، دعوای شیعه و سنی در درون حوزه های سیاسی روحانیت سرگشی های فتنه دالی و تحریکات ملی و مذهبی جماعتداری و حمله و غارت همزمان در یک سلسله شهرها علیه گروه ها و زرد و خورد چسب و زامت با لامبگیرد، رشته ای از

وقایع غیر مترقبه نظیر به رگبار گلوله سستی مردم در آمل و چند شهر دیگر، انجام مراسم عدم در خیابانهای عمومی، ضربات کردن خانه های مردم زحمتکش در دوسه نقطه اطراف کرج کسه

موج جدید توطئه و تحریک ارتجاع و امپریالیسم

ضرورت مقابله با آن

سنا به اعتراض سخنگوی بیست و دوم دولت با آور ماه ۱۰۰ شهز داری شاهنشاهی است؛ ربهوده شدن اعضای شورا های تصدیدی از کارخانجات (جنرال استیل، دخانیات، شرکت واحد، ...)

* یادداشت هائی از یک سنگر *

این خبرها را تفسیر کنید!

صفحه ۲۲
خبرهائی از جبهه های آبادان
صفحه ۱۰

اخبار اصفهان
صفحه ۱۱

صفحه ۱۹
با کمال میل
خبرهائی از جبهه های آبادان

صفحه ۶
اخبار کارگری
صفحات ۲۲-۲۰

پیکار از خود انتقاد میکند؟!
بخش اول
جندی قبل " پیکار " فرمان " تعرض انقلابی " خوبش را صادر کرد. بدنبال این " فرمان تاریخی " رهبران جبهه نمای " پیکار " علیه لیبرالها و علیه حزب جمهوری " در یک رشته تظاهراتی " کمونیستی " ناب از طرف این سازمان و گروه های هم مسلکش، پرچم های سرخ با آرم داس و چکش که " چون بقیه در صفحه ۱۶

اندک حدیث افاض
بذیع و اندر حکایت
و فایع ظرف !!
صفحه ۱۵

خامنه های در گره ها شن
صفحه ۳

شماره اول از صفحه اول

سرمقاله

ضرورت تبعیت از آن دم میزنند و مریبان یکی از مراکز انجمنی بر دیوارها شعار "ترک بر خمینی خون آشام می سوبند و در باره" می عرضگی و بی لیاقتی بی بنی صدر تبلیغ میکنند، بسه موازات این وقایع توطئه آلود بلنا گهان در چند نقطه کشتور خصوصا با بستخت دوباره بر نامه های بصب گذاری و ایجاد محیط وحشت و ناامنی سال گذشته، آنهم در ابعادی وسیعتر، تکرار میشود، همدا دپی در پی ای قتل های مرموز، که عمل قتل غالباً سبک شکی آنها م گرفته (برسدن سر)، غارت خانه ها و آدم زدنی صورت میگیرند و با زارشا به سات که سرمنشا اغلب آنها به رادیو های سلطنت طلبان فرساری و همفکرتان داخلیان میسرست، گرم میشود.

خواهد مختلف خصوصاً بهر از طرح نقطه نظرهای گیسینتس، هیک و شرکا، دانشبر لیسوزوم آدامه جنگ و تشدید فشار نظامی بر ایران نشان میدهد که مردم ایران با بر نامه آنها خصمی جدیدی از سوی امپریالیسم آمریکا و روبرو هستند. بر نامه ای که از قرار معلوم منافع عربستان یعنی امپریالیسم روس نیز در آن در نظر گرفته شده، و همچنین عربی نهایی سیاسی مختلفی در کشور ما با بد در تحقق مواد آن نقش ایفا کنند، بنظر میرسد که این بر نامه در دو بعد نظامی و داخلی با بد کشور ما را در چنان منگنه ای از فشارهای داخلی و خارجی، اغتشاشات و چنددستگی های ملی و مذهبی، تشنج و هرج

مرج و بنا منی قرار دهده که حتی به قیمت درغلتیدن کشور بسه بگرفته جنگهای داخلی و خارجی و مهلکه "تجزیه کشور" یعنی سرزودت ظفر ناکی که انقلاب مشروطه نیز با آن روبرو شد - زمینه برای استقرار پستک دیگتا توری فاشیستی بجهانه استقرار نظام و امنیت و قانون فراهم گردد. ایها دعا رجسی و داخلی چنین بر نامه ای بشرح زیر در شرح اعراف قرار گرفته است:

الف: خارجی

۱ - تشدید جنگ تجاوز - کارانه "مدام یعنی علیرغم ضعف آشکار رژیم دست نشانده" عراق و وخیم بودن وضع ارتش تجاوزکاران در خاک ایران، که با افزایش حمایت مالسی و انسانی کشورهای عربستان، کویت، امارات متحده، مصر و اردن با ساداده آن تضمین شود، مشخصاً کشور نخست اخیراً ۶ میلیارد دلار برای حصران حصارات جنگی عراق به مدام قول مساعدت داده اند.

۲ - مهیا کردن ترکیه و پاکستان جهت اعمال فشار بر ایران و در صورت لزوم بسراه انداختن دعواهای سسوری و احیاناً مداخله نظامی از دو سمت ترکیه و پاکستان، که از جمله دلایلی است که کمیسرل تمهادهای از دیپرومسیای

با صدا را بصمت مرزهای آسن دو کشور در این اواخر و حومه میکنند، همچنین آمریکا در نظر دارد دوره عمده تجاری کشور یعنی بندرعباس در هندو سوب و مرز ترکیه در شمال را به موقع قطع کند. چنانکه اخیراً راه تجاری ایران از مرز ترکیه برای مدتی تا گهان قطع شد و سروصداهایی در معانیل حاکمه کشور موجب گردید، که قطعاً چسه آرمایشی داشته است. ۳ - ایجاد اختلاف میان کشورهای ارتجاعی منطقه خلیج فارس، که با سهرهت - های آمریکا شای و انگلیسی

و از مرحله جدیدی بدولت سز آن سرخلاف دعوی گمراه کننده، بارهای مطلوبیست عربی و تلفیق با غرضمندانده دستجات وابسته به شمسوری و همچنین تحلیل من در آوردی حزب رنجبران منوجه روسیه سبوره بلکه مسوجه انقسلاب ایرانست - و روسه هم فصلان قضیه بر سر خفه کردن اینسران میا شدکاری سه کارا بسن اشتلاعات ندارد.

۴ - آمریکا در بر نامه خود منافع اسر قدرت روس را سر قاطعاً در نظر گرفته و احیاناً با دادن امتیازاتی به آن در منطقه و در صلح بین المللی (اگر نه در ایران) رضا بست و نظر ما عددهما به "پرحرمی و ولج شمالی را برای تمسیر رژیم در ایران طلب خواهد کرد، یکی آنکه دو نقطه "سهرانسی برای امپریالیسم روس یعنی افغانستان و لیبستان موزو - غاب مورد مامله خوبی برای اسر قدرت آمریکا با اسر قدرت روس میبواند با شود و بسنگر است که برای امپریالیسم آمریکا روس تحمل هر چیزیان انقلابی مستقل از خود، آنهم در حاشیه مرزهای کشورش، در صحنه "رفا بین المللی بسا ردخواز و سا گوارا است و قضیه "همدستی هر دو اسر قدرت در تحریک و تقویت تهازوات عراق علیه ایران نیز اسیس مسئله را ثابت میکنند.

۵ - استقرار نیسروی و اکنش سریع از طرف آمریکا در منطقه، که دقیقاً بمنظور سز و اکنش در برابر رخدادها شسی نظیر انقلاب ایران در خلیج فارس و در نتیجه بمنظور خصسه گردانیدن ایران "مزاحم" در منطقه طرح و ترویج شده است.

۶ - تقویت با بگاه های عملیاتی و وحدت دادی بسسه دار و دسته های خاشن فرساری در اروپا، مصر، کویت، عراق و ترکیه و همچنین کمک و مساعدت تبدیل این دار و دسته ها به یک نیروی ها غربی لفصل در

صحنه، سیاست کشور حتی بشکل گسیل دستجات تروریستی و نظامی و با لشکرکشی به داخل ایران. چنانکه هم اکنون با ایجا دعوا غتشی سلطنتست - طلبانه جدیدی که با همکاری دولت کویت سر ایران با ن مقیم کویت حاکم کرده اند، با واکی ها و افسران فراری بسرای تشکیل و گسترش واحد سسای خرابکاری و تهاجمی خویش از میان ایران با ن مقیم کویت سر با زگیری میکنند و در با سگاههای مصر به تملیم و تربیت آنها میبرد از ند.

ب: داخلی

۱ - تشدید تهاذهای میان اقوام و ملیت سسای ایران، ایجاد اختلاف و چنددستگی و فتنه های خونین میان فرقه های مذهبی خصوصاً شیعه و سنی، بر اه انداختن سررهای ارتجاعی، مفایری و خانها سنی (فتنای سنی، بلسوج و غیره) با ایجاد صحنه های بی زد و خورد چپ و راست (نظیر آنچه که در لیبستان و ترکیه بر اه افتاد) و غیره، فتنه ای که در هفته های اخیر بر سر حسدود ولایت و همچنین شمیم روابط شبه سیاسی در حوزه سسای مذهبی قم و مشهد و تهران بر اه افتاده و تهریکا ت تمهادهای از مراجع شیعه و علمای سست علیه معتقدات و حدود اختیار - رات مذا هب بکدیگر بر نامه سترکی است که از واشنگتن الیها میگیرد (وجدان گانه بدان خواهم بر داخت).

۲ - تقویت و تهریسک عربان مذهبی افراطی سنی (مشروع طلبی) و دام زدن به تشقرو های ارتجاعی مشروع طلبانه و تروریسم سیاسی در جا صعه، که همینه نقش عوشری را در تجزیه صفوف مردم در برابر امپریالیسم و زمینه سسای کودتاهای ارتجاعی و فاشیستی در کشور ما داشته است. در اینچا ریبان سسای (بقیه در صفحه ۳)

بقیه از صفحه ۴
سرمقاله

ارتجاع مشروطه طلب ایران را، که متشکل ترین نهاد بنده آن را حزب ارتجاعی، یا کمپرسرگودگی دار و دسته، بهشتی، آریست و شرکا، تشکیل میدهد، با ارتجاع سلطنت طلب ایران پیوند میدهد.

۳ - تجدید سازمان هسته های خدا انقلابی ارتجاعی و ایجاد شبکه کودتا به کسب فرماندهان و فرمان عالیرتبه خدا انقلابی، که کمترین نمونه آن در پادگان ارومیه به چشم میخورد. همچنین گاهن تبلیغ جنگ مقاومت در پادگان هسا و ایجاد زمینه فکری و روحی در میان افراد ارتش برای رعایت منتهای وظایف و غایبانشا، ارتش و حضور شما در محاسن، سپاه سی کشور، در همین رابطه تلاشها می که برای ایجاد افتخار شهرپاشی بعنوان نیروی با صلاح ضامن امنیت در شهرها صورت میگیرد، ایجاد شدن سر و کلاه پلیس با با ظوم و کلاه خود در گذرگاهاها قابل توجه است.

۴ - ایجاد محیط رعیب و وحشت و نا امنی در شهرها و راههای کشور، که طی یک سلسله برنامه های مشا بهیصیب گذاری، فضل و جنایت آدمزدی، آتش سوزی و پراکندگی دعوای مضموعی و غیره، همزمان بسا تدارکات و فعالیتها ی فوئوسا اشاره شده، اجرا و توسعه میسازد میکند.

۵ - و با لایحه ایجاد دیسک روحیه، ترس و جوا انتظار بر سرای کودتا، که در حقیقت توسط مزدوران

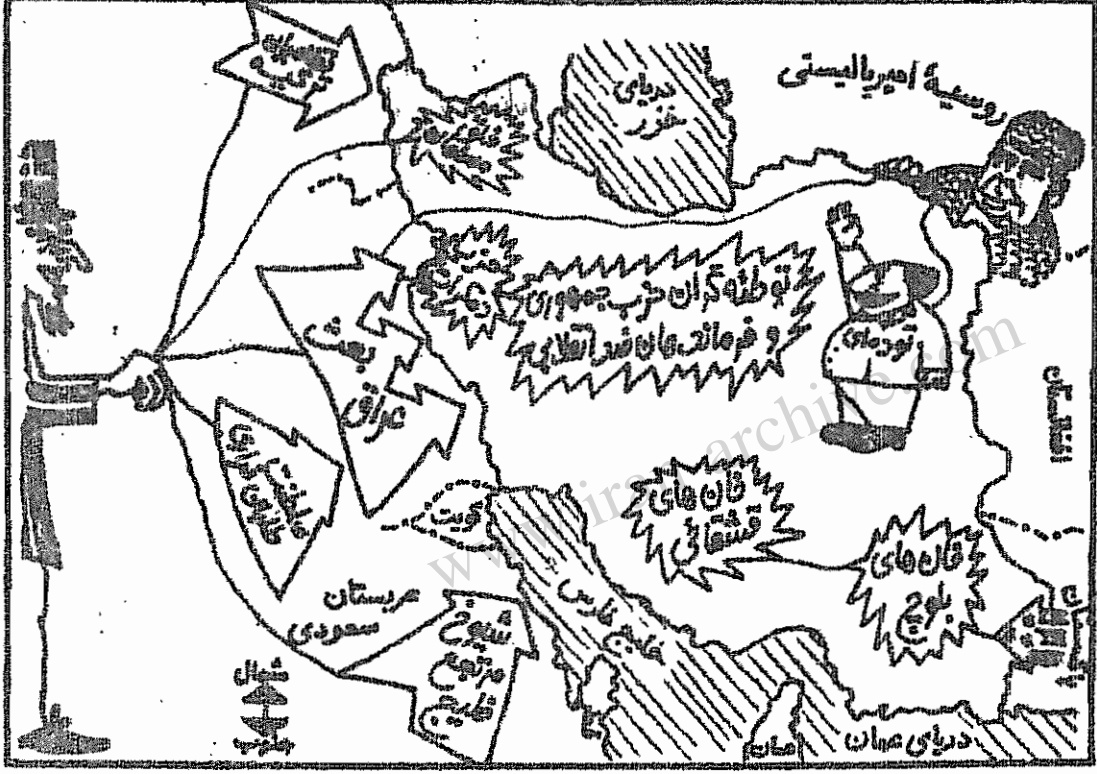
سپاه است آمریکا و منظم سوریه انفعال کشا نیدن مردم، دام زده میشود، در حالیکه دستجات خدا انقلابی مورد نظر هنوز به میزان قابل توجهی در ضعف بسر میبرند و در برابر قوت و حضور همجناسی مردم در فیل و انفعالات سیاسی کشور فساد در نیستند، مباحثی ضیانت بلایند خود را پیاپی میکنند.

در اینجا آنچه از مردم و نیروهای انقلابی و متممهد کشور طلب میشود، حفظ حضاری، اما دگی ذهنی و وحدت آنها در

و اما مطالبه با این وضع و مبارزه برای خنثی کردن توطئه ها و نقشه ها می که به منظور یکسر کردن کار انقلاب ایران و بازگرداندن چرخ تاریخ به عقب هم اکنون به مرحله آزمایش و اجرا گذارده میشود، مستلزم برخورد صریح، قاطع و بیرحمانه با توطئه گران و طراحان و محرمان اینسین نقشه ها، مستلزم سرزینندی دقیق و همه سندی روشن در بر سراردوی دشمنان داخلی و خارجی انقلاب و کشور، مستلزم

کشور به رعایت حدود و وفا بسسه وعده و وعیدهای سیاسی و بسا سوجه به وظائف ادماشی خسان، بلکه حضوری برای قطع و قسیم میرحمانه دشمنان رنگا رنگ انقلاب و آزادی کشور استراتی مجازات خا شنین و سرکوب خا ملان جو خطرناکی که در اجما دگونا گون برای رها کردن مرزها، نخریه، مضاف ملت و استفسار امتحان دوما نیم در کشور ایجاد و دام زده میشود.

در این میان بدتر بسن خطر، امکان تا شبر و نسسوز



الفاظات، راهنمایی هسای رخوت آ و رورونهای ساده لوحانه وسعت کننده است که از بسوی بارهای شخصیت ها و حرمان غای ذینفوذ در میان مردم مطرح می شود، در اینجا مشخصا نظر ما متوجه برخورد و روشی است که هرمان های اسلامی طرفدار همه بسوسی و بسوی صدر در پیش گرفته اند، و دقیقاً بقا طرف نفوذ و تا شیر آنها در ذهنیت قشرهای وسیعی از مردم و در نتیجه برنگا مل فطری سپاه سی خا مه میتواند مردم را بسسه نتایج منفی، به نا توانی و بسوسی در برابر اوضاع رهنمون کرد. (مورزا ما ازها کم بسوسی (بقیه در صفحه ۵)

دوری حستن نوده های کشور ما از لفاظ بازی های سیاسی موش و کرسه، قانون بسازی و نشریفات لبرالیستی و حدود و نفوذی است که جاسه را بسسه رعونت و بسوسی می کشا بد و انقلاب و آزادی و استقلال کشور را دور براندشمنان با سقاب و بی شفا با خودی دفاع رهسا میکند، باید نوده های مسردم حضور فعال خود را در محاسن، بسا سی کشور نشان دهند و خا کمیت خود را تا بیت گنند. حضوری نه برای کسب زدن و اظها ریشتمانی از مغز خانی، های تمکین بخش، نه بسرای با آوری مسئولان و زما مداران

بر سر حوادث و نقشه هسای دشمنان رنگا رنگ انقلاب و جو خطرناکی است که توسط آنها در کشور دام زده میشود، هدف برنامه آمریکا و مقصد بود از تمامی این فتنه های خارجی و داخلی بطور کلی در سه جیسر خلاصه میشود، که همانسسا عبا رصت از ایجاد ضعف و شکست در مرزهای کشور، تحزیسه و تفرقه در صفوف مردم ایران و برقراری مطظه، بسا ها ستیباد و زور و اقتضای برجا معسسه، و بسا بر این لزومست دقیقاً بسا عوا مل و گنا گزاران اهداف سه گانه فوق مبارزه ای جدی و مستعدانه در همه جا صورت گیرد.

یادداشت‌های از یک سنگر

خاک ریزی که بنا به نگاه ما ست به جلو شریک بود و حدود ۵۰۰ متر از طول راه خاک ریز کفند. راننده آن از چهار نفر بود و یک مسئول آن هم بود. مسئول بلدوزر پس از اطلاع از هجوم و شکل کاری که میبایست انجام شود، بناگهان اعضا را فرا برد که اگر ما از قبل میدانستیم که سراسر این کار است بلدوزر میآید و در سه مینا اینکه خاک سردار، و سپس بنا و باس دورا بشنورسان شود که بلدوزر با یکسار میتواند به اندازه ۱۰۰۰ تن بردارد. ولیکن این خاک سردار است و سنگ آن هم کوچک و سه اندازه ۶ میل نمیتواند سردار. و از اینها گذشته این خاک بردارنازه تصمیمی برده است و بنا به سه هورتور آن فشار میآورد که اطلاع داشتیم که برای انجام کارهای است بلدوزر میآید اما ظریف و سارده که از خوب در مسدود کم، حساب سروان گروهان سوم مطرح نمود که سندان یک بلدوزر هستیم و ما میگویند که در سمان محور سندان فقط ۴ بلدوزر است در حالیکه ما بعضی مسئول هماد میگویند که ما فقط ۲۷ بلدوزر از بهترین نوع را فقط از عراقی ها به غنیمت گرفته ایم. مسلمانها است که از سندانها میگویند که این سندانها را ما با تسلیاتی را ندارد. ما حتی کندن کانال را هم با بیل و گشتی شروع نمودیم و حدود ۱۵۰ متر را کنده ایم. در صورتیکه ما مسئول هماد میگویند که دستگا هی به غنیمت گرفته شده که ما کنترل از راه دور میسازیم است که بکنند و حتی رنگزاک و ارمگا نال تا فاصله ۱۴۰ متری را بکنند. مسئول با سندانها که این وظیفه شرعی من است که کمک کنیم. شما در اینجا خدمت میکنید و در جهاد، ولیکن ما ورکنند (این را ما فدا شده است که حتی بکنند و در این مدت ارمگا هم چگونه و ما تلی را نخواسته در حالیکه ما آنها را مکنات خستناک برداری و همه کسی و سنگر کنی به بهترین وجهی داریم. مسلمانها سندانهای چشم میگردانند و ما فوادمی آدمای بنا و سمانی کارها را میگردیم. به حال خاک سردار از خاک ریز خط اول مقدم حمله نمود کرد. و به فاصله ۲۵۰ متری ما ۳۰۰ متری شروع بکنار نمود همراهِ او یک آر. بی. بی. زن، یک بی سیمچی (بده سنان) یک سردار و ۳ سه نفر رفتند که در رفتند. در حالیکه سندانها سندی هر آن از زمین کردن منور غافل نمی مانند. خاک ریز سندانها را خود دادا سه مسدود. و قدری صدای منور آن کونخراش بود که ما فکر میکردیم عراقی های شرمو حتما از این کار اطلاع خواهند یافت و ما را به نوب و خمپاره و خمسه خمسه خواهند بست. این صدای مخصوص وقتیکه خاک سردار در صد برداشتن خاک را داشت و احتیاج سندانها زدن زیاد بود مشهودتر بود. به حال ما در قسمت سنگر بی سیمچی آسان بود و مسلح بودیم. در بی سیمچی ما صحبت میزدیم که اوضاع خوب. بی سیمچی حنا سروان با بی سیمچی قسمت خاک سرداری تمام داشت و سپس با ما و بنا سا برداشته ها. خاک سردار کماکان کار خود را به جلو میبرد تا ساعت ۱۱/۱۵ فقط ۲ بار منور را خاموش کرد و بنا طرا اینکه سگ منور به آن محوطه می انداختند و دوم اینکه کالیبر ۵۰ میزدند مدام. از ساعت ۱۰/۱۰ دقیقه شروع بکار کرد. در این فواصل بی سیمچی حنا سروان (که فاصله سردار بسیار دوری است) و بنا طرفدار کاری زیاد و از جان گذشتگی ۲ درجه دریا افت نموده است. بقیه در صفحه ۷

یادداشت‌های زیر از یکی از جبهه‌های آبادان است. کسه برای نشان دادن نوع فعالیت رزمندگان در این جبهه مسلمان، روعیه آنها، اشکالات موجود و وضعیت نیروهای دشمن تها و زکار، به چاپ آنها اقدام کردیم. نکات کمی از اطلاعات موجود در آنها با لاجبا حذف شد. یادداشتها مربوط به روزهای ۱۹ تاسیس ۲۳ فروردین ۱۳۶۰.

۱۹ فروردین ۶۰:

هوا امروز آبری بود. و بعد از چند دقیقه سم با ران آمد. از ساعت ۶ صبح چندین توپ خمپاره و گاتوینا امروز از جبهه مسلمان نیروهای ما شلیک شد. و متنا بلا مزدوران بعضی چندین خمسه خمسه شلیک نمودند. تا ساعت ۱۰ صبح همین چند خمپاره و خمسه خمسه شلیک شد. و سپس سکوتی در جبهه‌ها حکم فرما شد.

دیشب روز ۱۸ فروردین ساعت ۹ شب یکی از سرداران دچار دندان درده شد و دیده شده بود که بوسیده ۲ مبولانس وی را به بهسنداری ارتش رساندیم و پس از رفع درد و سارده با زکشتیم در تاریکی مطلق و در حالیکه مزدوران صدای موبطور مکرر منور برنا ب میگردند و آنسی قطع نمیشد. ما با لاجبا می ایستادیم و همین حرکت میگردیم. اوضاع تا ساعت ۴ بعد از ظهر آرام بود. در ساعت ۴/۵ بجبهه مسلمان ما با تیرباران ۲ و گاتوینا ۵۰ چندین تیر شلیک کردند که مزدوران با سه خمسه خمسه و یک خمپاره جواب دادند که در نتیجه اما مسلمان خمپاره در ۱ متری یک سنگر ۲ تن از ما حمله با و ران زخمی شدند و ترکش آنها به داخل سنگر از روی کوسی نفوذ کرد. ولیکن سندی خوشبختانه آسیب چندانی نرساند. یک سروان و یک گروه مسلمان زخمی شدند که بلافاصله به طرف پل حرکت کردیم و از آنجا به سمت استان انتقال یافتند. پس از آن اوضاع به حالت آرام بستر گذشت. قسمت گروهان سوم ارتش از کردان ۱۵۱ توبیخ مسلمان سلطان آباد (یادگان تهران) اعزام شده اند و مدت ۲ ماهه در این جبهه هستند مشغول کندن کانال هستند که در بعضی از جبهه‌ها انجام میگیرند. گویا تاکنون براتر کندن این کانالها چند تن شهید شده اند و چند تن دیگر زخمی.

از سندانها یک تن شهید و ۷ تن زخمی شده اند ولیکن موفقیتی شده اند این برادران که حدود ۷۰۰ متر کانال را بکنند. و فدا شده سندان اسلام هم حدود ۲۱۰۰ متر کنده اند که ۷ تن تاکنون ناشسی از این کانال کنی شهید شده اند.

هوا در امروز در ساعت ۵ بعد از ظهر و سارده غبار آلود بود و آبری کم رنگ در آسمان مشهود بود. تعداد ۴ تن سردار مسلمان به این جبهه اضافه شدند.

از ساعت ۷/۵ شب مزدوران عراقی از تیر شلیک و حمله بطور مداوم و متناوب منور با رنگهای قرمز و سبز و سفید پرتاب می نمودند و موبوله فاصله را روشن میگردند. در ساعت ۹/۵ شب اطلاع یافتیم که قصد انجام عملیاتی است و بجهه های موشک تا واژگروهان سوم کردان ۱۵۱، محوری آن هستند.

ساعت ۱۰/۴ دقیقه ما هم به آن بجبهه ها پیوستیم، و آما دگی خود را اعلام نمودیم. از قرا را اطلاع دادیم که در این بود که بلدوزر از

یادداشت‌هایی ...

بخشیه از صفحه ۶۰

یعنی اینکه قبل از جنگ گروه‌ها ن سوم بوده که پس از تصرف ...
 و حرف‌ها در بیستم خوا نیا سوم شود در درگیری زمان جنگ در خونین
 شهر و بدلیل جدا کاری به حق وی ۲ درجه دریا فت نمود و دستسوان
 یکم شد. این سروان مدامه نویختا نه کرد میداد در خمپاره و کاتیب
 تا از ارتش و خمپاره ۱۲۰ از برادران غیرورسها و هرا زگا هسی ۱۰۶
 رگا لیبیر ۵۰ و غیره از فدا شیان " بطرف مزدوران شلیک میشدند و
 این عملیات با عت میشد که دشمن زیر آتش سلاحهای سنگین مسما
 جرئت سر بیرون آوردن از سنگر را به خود ندهد. این وضع تا ساعت
 ۱۱/۱۵ شب ادا مددا شد که بنا گها ن بی سیمچی دستگا و خساک
 بردار اطلاق داد به جناب سروان که چند نفر تا شناسی که تا عدتسا
 عراقی هستند بطرف ما می آیند. بی سیمچی جناب سروان بیست
 سنگر ما اطلاق داد که چند نفر میهمان دارند میآیند. بلافاصله خطر
 عملی اعلام شد. همگی از سنگر بیرون آمدیم. تمام سلاحها آماده
 بود ملذاری دیگر تا رنجک آورده بی - بی هم آماده شد به گروه‌ها ن
 سوم قسمت شویبارز - ۳ و کالیبیر ۵۰ اطلاق داد که اندک آماده باشد
 ولیکن چیزی که برای سربازان بوضوح روشن شده بود از قبیل
 اینکه عراقیها آنقدر بر بدل و ترسو هستند که جرئت بیرون آمدن
 از سنگر را ندارند چه رسد به اینکه حمله کنند و این دشمن را اینطور
 رتا این حد ضعیف نمودن تا درست بود. بجا طرحی انگیخته و
 علمت بود که سنگیها بی در دست انجام میشد و پشت تیربار کالیبیر ۵۰
 هیچکس نبود. و اکثر اگر چه آماده باش بودند ولیکن خواب بودند
 و لباسها را گنده بودند. بهر حال پس از پنج ساعت یعنی ۱۱/۳۰
 شب بنا گها ن دیدیم که خاک بردار و طرف ما آمد و بدینحال او گروه
 با ن سومی بود که او هم دو ان دوان و با خستگی مشرف میآید و دسته
 را شنده خاک بردار را اعتراض میکند که کی به نوبت شما بیسی و وی
 پاسخ داد که بکنفر در بین شما گفت بیروین هم آمدیم. این وضع
 تا حدود ۱۰ دقیقه ادا مددا شد که از بی سیمچی خاک بردار بیسی
 سیمچی جناب سروان اطلاق داد شد. که آن چند تا شناسی خسودی
 بوده اند و کویا از فدا شیان اعلام بوده اند که شما نه برای شناسا
 سازی منطقه آمده و راه را هم کرده بودند. در مدت زمانی که خاک
 بردار مشغول کار بوده تعداد ۲ نفر، یک گروهی ن سوم یک سر
 با زهم مشغول برگردن گونی بودند تا سنگری در همان قسمت برای
 دیده باشی ایجاد کنند و کالیبیر ۵۰ و به بهترین وجهی و عدم خطر
 با آسودگی بین میرفت و مزدوران عراقی یکی دریا ریختند
 شلیک نکردند. آنهم بطرف فدا شیان اعلام چرا که فکر میکردند این
 جدای موتور را ن سمت میآید. ولیکن پس از گزارش این خطر که
 چند نفر تا شناسی میآید. گار را کرده و همگی به بی سیمچی
 و آری بی - بی زن و ن نفر شفتگ در رقیبه آمدند. پس از که
 رفع خطر و با رع خاک بردار را زکشت و اینبار جناب سروان خودش
 با آنها حرکت کرد و بطرف ایجاد سنگر جدید و خاک ریز جدید و ما همگی آماده بود
 بی سیمچی خاک بردار گشته بود تعداد ۴ نفر تا شناسی پس از رفع خطر در
 اینمورد از فدا شیان اعلام گشته اند که قضیه از اینست که آنمردان
 فدا شیان اعلام هم منظوریکه گشته اند برای شناسا شناسا
 بودند ولیکن وقتیکه صدای موتور خاک بردار را میشنیدند میخواستند
 چه قسمت سنگر خود اطلاق بدهند ولیکن بی سیمچی با هم میخواستند

با لختیجا در تباط فدا شیان اعلام و گروه تحقیقات منطقه با سنگر
 قطع و سنگر هم با مرکز قطع میشود و در آنها می ماند که همان زمانی
 که گروه تحقیقات به نزدیکی قسمت عملیات سنگر ما زی جدید مسما
 میرسد از طرف ما جدای آنها بگوش میرسد که از طرف یک سربساز
 قدمه سمتی آنها به زیر آتش میشود. ولیکن جلوی وی گرفته میشود
 که اگر اینکار را انجام میداد. عملا ما همه یکرا به زیر گبار میگریست
 قسم و دشمن هر دو می ما را میگوید و ضربات بدی وارد میشد که
 خوشبختانه به بخیر گذشت. پس از هر طرف شدن این اشکال همان
 طوریکه ذکر شد گروه سنگر ما زی جدید ما به سربکار خود با زکشت
 مشغول کار شد. و تا ساعت ۱/۵ دقیقه صبا ادا مددا که از مسدودت
 زمان با زکشت دوم تا تمام کار عراقیها شروع به شلیک سلاحهای
 سنگین بطرف ما و برادران ما نیا زوفدا کارسها نمودند. و کما
 لیبیر ۵۰ بود که بطرف ما می آمد و برادران ما به متقا بلا با سیم
 میدادند. که فردا صبح اطلاق با فنیم سرا شلیک های بی در بی
 مزدوران عراقی بطرفه ۴ تن از برادران ما به برادران ما بیست
 خمپاره به سنگر آنها شپه شدند. در دو به روان با آنها بیست
 یادسان گرامی با ادا یمن فکر میکنم بخاطر این بود که در زمان
 انجام عملیات توسط خاک بردار این برادران خمپاره انداز
 آنها کار میکرد و خیلی شلیک میشد و این باعث شناسایی آنها
 شده باشد. از کارهای حماسی آنها بگویم که ۲۵ متر کا نسبسال
 که اندامدتهاست که آماده اند تا بطرف جلو انتقال پیدا کنیم
 ولیکن گروهان سوم کردان ۱۵۱ ارتش آماده نیست. همچنین
 فدا شیان اعلام هم تا نزدیکی ۳۰۰ متری عراقیها کاتال گنده اند.
 بهر حال قصد عزم بر این است و آنوقت بقول سربازان آنها سارا
 تا رومار کنیم. زیرا که اینها در صورت فرار از این جبهه به تقویت
 جبهه های دیگر میروند. این نیروی مزدوری که در اینجا در محور
 آبادان و ما شهر - ذوالفقاری مستقر هستند. در راه ادا رسند:
 ۱ - فرار که غیر قابل انجام است. ۲ - حمله آنها فقط به مسما
 زسرا کربه لغت انشیمی دست بزنند ... و اگر حمله به ما بکنند که
 از این بزدلان واقعا بعید است که چه بهتر ما آنها را تا رومسارو
 تا بودخوا هم کرد و به درک واصل میکنیم. در هر صورت اینها
 شکست خورده اند و یک رای ما قانی ما اند و بهم صلح
 بهر حال روحیه همگی سربازان خوب و عالی است و همگی
 آنها از اینکه همیشه با عدم تحرک و بیرواست نگرانند. و معتقدند
 که با بدکاری صورت داد که این عملیات استنب زمینهای باشد
 برای نذار یک پورش و حمله. این سربازان را با بدید و با ور
 نمود که شبها بقدری جرئت و شها مت دارند که تا حدود ۴۰۰ متری
 از خط جبهه خودمان دور میشوند برای آوردن یک جرمه
 آشفتر شادت دارند که شبها تا ساعت ۲ شب با شلیک و گنگ مسما
 نادی ترین امکانات کاتال میکنند به عمق ۱/۳۰ سانتی متری
 دستهای آنها زخمی شده ولی هدف دارند. امشب یکی از درجه
 داران معتقد بود که همگی امشب را با بیسی کار کنند و زهم
 بکنند و شبها لیت کنند که همین امشب کارا تمام و دیده باشی و
 مهمات و سلاح و ابزار در سنگر جدید مستقر کنیم و مزدوی حمله کنیم
 قال قضیه را بکنیم. ما سربازانی در اینجا داریم که با رها تا خط
 جبهه عراقیها رفته اند و حتی وحشت و رعب و ترس از آنها را در زمان
 بیرون آمدن از سنگر و رفتن به دستشویی را با خمیدن و پندوسرو
 بوده را مانده کرده اند. سربازانی هستند که تا خط مقدم عراقیها
 رفته اند و سلاحهای آنها را دیده اند و مزدوران با جنا هده آنها را
 به رگا لیبیر ۵۰ بسته اند و آنها ما رو به واریها بگا و خسود
 برگشته اند.

یادداشت‌هایی ...

شماره از صفحه ۷

بهر حال، اکتساب بی‌تحرک ترس و حساس ترین و مهمترین کاری بود که پس از مدتها که بدون حسنی و خوشی و حرکت سودا نجا می‌شد که مسما تحفظات خاصی نوا می‌بود و یک لحظه فعلیت می‌توانست با عت سرورز مسا مثل تا ساف آور شود، ضمن اینکه خوشحال از اینکه عراقی مسما با لاهرها متعشرویی را پیدا کنند، و ما آماده دیدن برای بودیم که در آن صورت چنان درسی به آنها میدادیم که با آوری هر یکسان ذوالفقاری می‌بود.

۲۵ فروردین ۶۰

صبح بدلیل غمشگی تب گذشته ما عت ۸ از خواب بیدار شدیم. در این روز در ساعت ۳/۵ دقیقه صبح هر یک خوردگان مدام به بعضی مسما عت ۲۵ ستر که بدو در ۲۵ صتری ما شروع به آتش نمودند که کوشی حرکتی جدید در شب گذشته انجام گرفته بود و دیدن این امر جدید آن معظوره ما سلاحهای دودا نخر که معض گشته و مسما برای تعیین جهت توسط دیده بان سودا هدف گرفتند. و سپس شویها سه را بکار انداختند و آذوقه آنها را با ۴ توپ دودا ستر و ۶ خمسه خمسه شلیک نمودند. جدا از آن ما را با طرف ما سودا در زمان دوشنا ۵ صتری خمسه خمسه پورنا که در دنگ خوشختا به جنگونه آستسی بر میزد. حتی ۵ عت توپ فرستادند. در ساعت ۹ نیم ستر را از شدت گرفت و سپس تلوگ ما رفت. دودا ره قطع شد و پس از ۱۰ دقیقه مجدداً با آن عت بدو بدست ۷ دقیقه قطع گردید و آفتاب مبرور زد. ما ما عت ۱ سودا زظهر که غذا آوردند و هر رگای توپخانه، ما آنها را زیر آتش میگردانیم که برتری آتش با نیروهای ما میسود. در ساعت ۴ بعد از ظهر یک ما در دنگ توپخانه، ما شروع به کوشیدن نمودیم که هم ما هم نیروهای مستقر در شادگان بعضیها را زیر آتش سلاحهای خود قرار دادند و بدست یک ما عت آنها را کوشیدن مسجد. متقابلاً مزدوران عراقی چندین توپ شلیک نمودند. ما در آتش روز هم چگونگی تکلیف می‌نهادیم. در تمام طول شب هر رگای عتای تلیک و آنجا رهی آمد.

۲۱ فروردین ۶۰

در کبری از صبح شروع شد و تمام ما برتری آتشی ما ما بود از آن زاویه که عت ما شلیک میگردیم و بعضیها تا کنون که ما عت ۹/۱۵ است هیچگونه با سخنی ندادند. در کبری که ما گان با آتش توپخانه داده است. در ساعت ۱ بعد از ظهر ما شلیک غذا آورده است برای شلیک خمپاره بعضیها آتش شهید و ۳ تن دیگر زخمی شدند که بلافاصله به بیمارستان انتقال یافتند. شهید قبل از آنکه به بیمارستان می‌برد و در آنجا کتبت منجما عتای کم. سه تن دیگر یکی سسه با روی وی دیگری سه کتکک زا شوکه فقط سه یک نکه گوش و مسلسل بود. و دیگری هم به پا دست و سینه اش خورده بود. که میسولسسه اعیولانس برده شدند. لکن ما ما عت قبل از پیل که سرور میسند تهر و رول به ذوالفقاری است. سسه شده بود که بدلیل جمع شدن آب و خاک روی راه بسته شده بود. بنا بر این ما لاجباً با زنگش و از طرف استگاه ۷ در حالیکه عراقیها ما میدان ستر آیدان سودا با سرعت آنجا میور گردیم و پس از عبور از پیل استگاه ۷ به طرف بیمارستان حرکت نمودند و ۱ تن شهید شده بود و سه تن دیگر به عتای عراقی حمل شدند و بدست عمل جراحی قرار گرفتند.

و حال آنها رغبت بخش بود. هر ساعت ۳/۵ عت شهر دویا ره ستر است تلیک مسما ره بعضیهای مزدوران سینه دویا ستر رومی شد.

توضیح:

عراقی شده بعضی سسه ذوالفقاری سرگردی سوده مسما م در ساعت ۲ درجه در این جنگ گرفته و سرنگ شده. البته در جاده و ترشع بنا ما بعضی در رابطه با رتا د و ما شلیک در عت مسما م میور میدادند و با طرحی برای عشرویی و ما اینکه شریات به شلیک سرتشن زدن داده بود که این سرنگ تا عت شده که ما سینه است اسما م ندادند بلکه زمانی که از طرف ستر از این و درجه در این با شلیک به شلیک دیده تروی و در دست کردن ستر که عت مسما م در ساعت گذشته که " شما عتقتان سرفلان جا است" و خلاصه ستر از آن را عبور شدیم و ستر را در ستر از آن سترمان و ما اصدا ستر که شلیک پس از ۲ عت خود اقدام به ستر که میسودند که در آن در آن ستر ما را رفته است. این سرنگ رفته و ستر وی سرنگ دویا آمده که مسما م در ستر ستر است.

۲۲ فروردین ۶۰

در ساعت ۹ شب عت ادا عت خاک در ستر بعضی شده است ۲ عت ستر ستر و یک عت در ستر آمدند که در ستر عت ستر از آنجا ستر ستر داشت. و ما ساعت ۳ بعد از آنکه ما عت که در ستر است خاک ریرها تعدادی هم ستر کردند. برای دیده بان ستر یکی ما عت ۱۱ شب بود که بعضی اطلاع دادند که در ستر از آنجا از سمت عت بعضی میدان ستر در حال حال آمدن و بعضی ستر که پس از نیم ساعت و اعلام آمدن ما به شلیک ستر که ستر است. لکن زمانی که ما در ۱۰ صتری عراقیها عت قبول کردند و در ستر کردن ستر که بدو بدست ما ستر ما بیش از ۱۵ عت خمپاره شلیک و بترت بدون غایب. زمانی عت و بعضی گاهی اوقات عت ستر از ۵ میور را عت شده مسگر دیم. هوا در شب ستر ما ستر و ما ستر ستر عت را آوردیم بود. و این کتک تا ما عت ستر که در ستر ستر و ستر ستر ما ستر. در این ستر از آنجا ستر که ستر ستر ستر گروگان یک ۲ تن ستر از ستر شده اند که یکی از آنها به عت ما ره ستر و شلیک شدن در همان ها ستر شد.

۲۳ فروردین ۶۰

در این روز توپخانه ما شلیک عت خود را ادا می‌نمودند و عراقیها هم پس از مدتی که توپخانه ما گارنگرد آنها شروع به کوشیدن از طرف پیل ذوالفقاری را نمودند. در ساعت ۳ بعد از ظهر ستر از جانب خمپاره در ۴ صتری ما یک ستر از آنجا ستر بعضی ستر ستر برداشت. هوا که ما گان کاهی ایرو و زمانی آستسی عت و مزدوران بعضی به از ما عت سترهای جدید و خاک ریز شدند که حدود ۱۰۰ عت ستر ستر شده بود. آن منطقه جدید را به خمپاره و سلاحهای دودا ستر سترند. بعضی از کشورهای غیر متعهدها که روز شنبه به آیدان آمده بودند امروز عصر ایران را به ستر ستر گرفتند. بعضی ستر شده جوخ ستر کفیل کاج ستر و ستر ستر امروز از ستر دیدن کرد. حقوق ستر از آن را امروز برداشتند. نمودند. شوی آمده ستر از آن در این روزها که جنگ است روزی ۶۰ سومان میباید شد.

و وضعیت سسه ذوالفقاری را در مجموع میسوان ستر ستر تقسیم نمود:

- ۱ - وضع و عتکردن و عتای روز ستر ستر و ستر ستر بود
- آشما
- ۲ - روحیه ستر از آن و در عت از آن ستر ستر و ستر ستر
- داران و ستر و عتاشان اسلام

یادداشت‌هایی

بقیه از صفحه ۸

۲ - روحیه و طرز تفکر و عقیده در جات بالای ارتش با یک بررسی میتوان با ملاحظاتی که نمائندگی است با جهت جبهه را گدازد و هرگونه تحرکی در آن مشهود نیست. از جمله مسائل فنی که وجود دارد در واقع آن با عت بدست آوردن پیوسته روزی نهایتاً در این جبهه میباید عدم هماهنگی در زمینه برسانه ریزی و عملگردهای مشترکی است که میباید بین ما به ضرورت جنگ تحت یک فرماندهی متشکل از فرماندهان دلسوز ولایتی باشد. و این مسئله همیشه این جبهه را رنج میداده است. کسره آن ۱۵۱ در خرمشهر که در این جبهه مسئول است مدت ۴ ماه است که در این خط است. که حتی این بر خلاف قوانین جنگی است. یک گردان ۳ با ۵ میباید بدو در منطقه جنگی باشد. این گردان از باقی ما نده در خرمشهر و چند تا شی از باقی ما نده های درگیری خونین شهر و چند تا شی هم که فراری بودند تشکیل میشود. گارایین گردان در تمام مدت روز فقط خوردن و خوابیدن و در واقع گردان وقت است. در خط مقدم جبهه یک ستوان دو وظیفه وجود دارد و یک سگ گروهبان یک. فرمانده آنها سروانی است بنام مزارع که در پشت جبهه و خط دوم که با خط اول حدود ۵۰۰ متر است. این سروان فرمانده است و در این خط اول حدود ۸۰۰ متر فرمانده است و در خط ۳ است و در خط اول ۳ است و با خط اول ۸۰۰ متر فرمانده است و در خط ۳ است که بر بالای ما خطما نی برود و عراقی را با دوربین ببیند.

سربازان این گردان از این وضع نگران هستند و از پیوسته بودن وقت حالت گسالت دارند و در پی مشغول کردن مسود هستند تا روزی که شب برسانند. اکثراً معتقد به این هستند که سب با بدکاری که در خطه را شروع نمودند و پیوسته کرد و گارایین که سب و وجود کیفیت بعضیها را از این منطقه پاک نمود. بنام طراپنگه آنها میگویند این واقعا با تمام زور است که آذنی در پیرون سنگر استاده با شورش آنها نفعی را به خود و پیوسته. ما که با لاف در این منطقه جنگی هستیم و گمان شهید شدن فراوان. پس چه بهتر که سراقاز شویم و گاری را صورت دهیم. در بین این سربازان افراد شجاع و با شجاعت نیز وجود دارد. این گردان حتی از داشتن یک دیدم با ن که نقش تعیین کننده ای میتواند ایفا نماید. پیوسته است. سربازانی از روی میل میباید دیده با نی میکنند. همیشه زمان این گردان یک دیده با ن خوب و ورزیده را نداشتند که همیشه شایسته و جویبار است. فرمانده این گردان و فرمانده گروهان پس از آنکه ما موریت خود هر گاه یک درجه خود را انداخته است. خروج درجه را از آنجایی که به جبهه میآید. فقط بهر درجه گرفتار میآید و پیوسته.

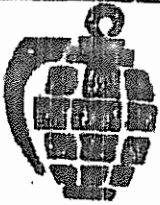
با این گردان گفته شده که ما موریت شما تمام است و با یک خط مقدم را تخلیه کنید تا لشکر ۷۷ مشهور شما را بگیرد و شما پیوسته. خطی که شجاع هستند و منطقه آرا می است پیوسته. فرمانده گردان گفته میاید شهر آبادان خارج می شود و میاید اینک که در این جبهه مقدم میاید تا نیمه این خطا طراپین است که در جبهه موریت جاده ای از اینک خطری میاید برایشان نماند و در سنگر خوب میاید

دارند. روزی ۳۳۱ تومان اسفان گذار روزی ۱۲۱ تومان در عده داران گذار روزی ۶۰ تومان سربازان و ستوانها و درجه داران وظیفه منقضی ۲ سال خدمت در باقی جبهه و پیوسته. هر موریت که اگر از جبهه خارج شوند تنها از آن مزایا بلکس از آن درجه و افتخار هم آنستنان ضروی نیست.

این گردان در ظرف ۲ روز آینده احتمالاً تا ۲ یا ۳ اردیبهشت تحویل خواهد شد. و قبول شده که از شهر آبادان خارج شوند و به اردو پیوند. با لاف به با ستاد عملیات کتار آمدند.

روحیه و عملگردهای پیروها از جمله سب و وسیع از لحاظ کاربرد عالی است و تا فواصل ۷۰۰ تا ۳۰۰ متری عراقی هستند که سال گذشته اندوخیروهای گشتی و شناسایی و دیده با نی راهبر شده اند. و در دوران عراقی هم بین عراقی و ما در این دوره سبها و دیده با نی شدند. این نیروها اظهار میدارند که ما هر وقت کسیه پیوسته میاید ما ده هستیم. روحیه ای شوی دارند و شجاعت در آنها و سب و وسیع و سربازان ما نیست و آماده فرستادن پیوسته دشمن هستند.

اصولاً را گدازد و عدم حرکت و پیوسته در جبهه با عت دلسوزی همگی شده است. اکثر فرماندهان و بعضی از درجه داران که در گذشته شاهی دارند و دشمنان به رزیم و ما مضمینی میدهند که اکثراً با عت خدمت پیوسته میاید. در بین ارتشیمان بنی صدرا به خوبی دارد. و عمدتاً در واقع نیستند. مهندسی ارتش بر خلاف نظام و دشمنان شایسته عملگردهای روحانی از عت جنگ جا نده. سبها عت جرات و نقطه مقدم جبهه تا اسفالت بر از دست آنها زوتنه نیست است که مروج را به عتاب و در پیوسته میاید. حتی بسک تبلیغ توسط بلند و زور میزند. عتاً به سربازان با شین عتاً تا پیوسته روحیه نیست هستند و معتقدند که بنی مدرا به حال خود نمیگذاردند که گارش را بکنند. ۲ نفر از روحانیون حوزه علمیه جبهه آمده بودند و به یک ظلمه که در قسمت اعلا گردان بود میگفتند که با بدیها لیا س روحانیها شی که همه بدانند روحانیت در جبهه است. این دور پیوسته بودند و از قسمت تبلیغات تم آهده بودند برای تبلیغ این ظلمه اعدا دیگر اظهار شده بودند که نمی شود در اینجا با تبلیغاتی روحانی بود. چون جو آماده نیست و مورد خطرات را میگیرم گسسه و اشکیت دارند. و ما در مورد هجوم به عراقی و زانند آنها از این منطقه. بر ایتی میتوانند صورت گیرند. که شی است طی یک برهان. عت ریزی با تبحر و همه جا شایه و سبها گاری بیشتر از این منطقه آنها را به تروپ و همیاره است و زمینی هم پیوسته کرد و پیوسته هم جسی فوسی که در زمین حرکت تبلیغ میکنند. یک حقیقت است که پس از ۳ عت درگیری سخت پیوسته خطی آسان بدست خواهد آمد پیوسته آنگاه آنها بعضی طرف عراق سربازان مزبور هستند که هرگونه پیوسته اعتقاد در باقی نماندند. و خطی سربع در پی یک آموزش صلحت و پیوسته و شورش در تنظیم خواهد شد و ما عتاً لایه عراقی با لاف عتاً شد. البته یک مسئله غیر قابل انکار وجود دارد. و آن هم پیوسته است که در این مورد در دوران مدت زیادی گم شده است و عتاً شد کرد. طبیعتی است که همیشه هم خواهد بود. اولی به قول آن سربازان پیوسته گفتند که در وقت اینها را عت میاید و بین ما پیوسته است. سبها با این سبها عتاً از قوت وجودشان پاک میشود. عتاً و پیوسته آنها هم در پیوسته و فقط به لاف و شورش ای ایستادند و لای زمانیکه سبها تا طبعات ما پیوسته و پیوسته کنان از دشمنان خارج میاید و همه نظار که تا کنون بگیرات عتاً شایه از گذشته پیوسته آرا آنها تنظیم میاید. شوند. سبها طراپینگه آنها حتی از پیوسته هم پیوسته هم پیوسته اند و قبول آن سربازان عتاً تا روحی و عتاً پیوسته شایه پیوسته. بر همین اساس که قبول آن سربازان جبهه در پیوسته ۱۰



خبرهایی از جبهه‌های آبادان

۱ اینکه مورد اصابت حریف قرار بگیرد فوراً پشت خاکریز رفته و درست هدف را نشانه نمی‌گیرند.

۶۰/۱/۲۷ : درجه ۴۰۰ فضا ضربه به نفر بمبجی در جاده راه می‌رسد. رهنمندی که با صدای خمپاره دشمن در جاده می‌خوابند، که در همین هنگام مناسفانه ما شین لودری که از جاده عبور می‌کرده از روی آنها رده می‌شود و سران آن یک تن شهید و یک تن دیگر زخمی سخت پیسدا می‌کند. فرد سوم جالی رضا است.

همچنین درجه ۴۰۰ ذوالفقاری یک خط خاکریز دیگر بوسیله لودر از روی سینه تا روی ارتش کشیده شده که خط اول حمله را خطی به عراقی‌ها نزدیکتر کرده. در اینجا در شب هنگام شامک سوب ۱۰۶ میلیمتری دشمن به طرف نیروهای خودی ۴ زخمی و یک شهید از طرف سپاه و جها دفاع در راه دفاع از استقلال کشور داده می‌شود.

۶۰/۱/۲۸ : گشتی های ارتش درجه ۴۰۰ ذوالفقاری با دیدن آتش از یک مسجد به آن طرف رفته و متوجه می‌شوند که کپسولهای گناز درون مسجد نزدیک نعله های آتش است و نمی‌تواند درون رقتست. و ضمناً اینکه در شب های درون مسجد شیب شده است. پس از آن با گشت در اطراف مسجد، حدود صد متر آن طرفتر، ۴ نفر را که تا لیبسای کوله شده نزدشان بوده دستگیر می‌کنند، که هر چهار نفر ضامن سار حوثی از آنها حرفهای ضد و نقیض می‌زنند و در نتیجه بیشتر مسجود سواً ظن قرار می‌گیرند. این افراد تسلیم شهریارانی آبادان می‌شوند. بطور کلی دزدی خصوصاً از خانه های خالی شده مسجود در این شهر زیاد شده و به تحقیق دیده شده که سرده های دزدان در آنها سفود و موقعیت دارند.

بقیه از صفحه ۹

فرماندهان دستور بفرستادن سید هندی و همگی در پشت سروبولانس خریدارند، و فقط منتظر صلح هستند و در عین وتوتی ویا مزایا سر می‌برند، و در فکر این هستند که مدت ما عورت به اسما می‌رسد و درجه را بگیرند و بروند مرخصی. مرخصی آنها هم که آزادانه است. سر با یک ماه خدمت درجه ۱۰۵ روز مرخصی. آنها هر چه دلشان بخواهد. ستارگی در تاریخ ۲۸ فروردین ۵۶ بخشنامه ای آمده میسای سر اینکه نما می درجه داران و افسران ساندوما خدمت و ۱۰ روز مرخصی بروند که این فقط برای درجه داران و افسران است. سر با ران میرا از این بخشنامه هستند و آنها رفتن مرخصی برایشان بویستی و گروه بندی شده می‌باشد. اکثر درجه داران همگی با راننده هستند در پشت جبهه با در ستا هستند و کار رفتن می‌کند. در بین تمامی فرماندهان بالا فقط یک سروان هست که سهم قسلا گروهیان سوم بوده که بنا به ادا مه تحصیل ستواسار سوم می‌شود و در زمان جنگ به دلیل رشادت و شها مت که در او شمس مستحق بوده و مستحق آنرا داشته و درجه به وی اعلا شده و سما می روز دیده با می می‌کنند و در خط مقدم جبهه هست و تنها هم سر برای کندن سنگروکانال به جلوتنا نزدیکی عراقی‌ها می‌رود و وحسند، سما را خوب و الگوئی است سرای سر با ران دستگیر.

۶۰/۱/۲۲ : بنا بر آتش توپخانه در شب آبادان در جهت سوات ارتش تجا و زکا و عراق درجه ۴۰۰ ذوالفقاری سوخت، و شعله های آتش آن از دور دیده می‌شد.

در همین روز هنگامیکه لودر نیروهای ایرانی بعد از دستگیر کردن برای آمبولانس فدا شیان اسلام درجه ۴۰۰ ذوالفقاری به سر روی خاکریز می‌رود، با پرتاب منور عراقیها دیده می‌شود و تجا و زکا را آن عراقی آنها را به زیر خمپاره می‌بندد. در نتیجه آتش، آمبولانس مورد اصابت خمپاره قرار گرفته و منفجر می‌شود و دو تن از نرسن زخمی می‌شوند.

۶۰/۱/۲۲ : تنها وزگاران عراقی با دیدن لودر ایرانی ها که برای دستگیر کردن درجه ۴۰۰ ذوالفقاری به جلو می‌رفت محوطه را سا خمپاره و آتش می‌کوبند، که آتش به لودر و سواً بیسبیل دیگر می‌رسد. اما بر سر آن یک تن شهید و ۴ تن زخمی داده می‌شود. در همین زمان با آتش توپخانه نیروهای خودی دو نفره تیربار عراقی‌ها مهدم می‌شود.

۶۰/۱/۲۵ : با آتش خمپاره مردوران عراقی خراج های خمپاره موجود در جبهه آتش می‌گیرند، اما به خود خمپاره آتش می‌سپس نمی‌رسد. همچنین یکی از افراد خدمه خمپاره آتش مخصوصی می‌بندد.

۶۰/۱/۲۶ : با آتش توپخانه درجه ۴۰۰ ذوالفقاری یک خود روی عراقی مهدم شد که سوختن آن از دور دیده می‌شد.

همچنین در این روز تنها وزگاران عراقی سا شاهده بسک ما شین که بر می در جاده بسوی آن سک " موشک سا " می‌فرستند که به آن اصابت نمی‌کند، اما ما شین در جاله ای گیر می‌کند و دو نفره مورد حمله خمپاره دشمن قرار می‌گیرند و در نتیجه دو تن سپاه می و یک تن کمک را زنده زخمی و یک تن سپاه می دیگر که پشت در مان کمر می بوده شهید می‌شود. توضیح دربار موشک با و اینکه دستگاه پرتاب با این نوع موشک بر روی حسب سوار است و دارای دور رسن می‌باشد که شلیک کننده با دهن هدف آنرا بطرف هدف شلیک می‌کند و در این جریان آنرا بوسیله دوربینی که بصمت هدف میزان شده و سیمی که پشت موشک وصل است تا هدف هدایت می‌کند. سر عست موشک در حدود ۵۰ کیلومتر در با عم بوده و در ضمن با جسم هم دیده می‌شود. و عمده تا در سطح یا شین شلیک می‌گردد. برای مقابله سا آن دورا ه و هوود دارد. یکی اینکه را زنده با دهن آن مرتباً سواً سوز گرفته و گاه زنده را بیگانه ترا نیست که دور بین ارتست هدف متعرف شود، چون اگر دوربینی به سر سمنی که میران شده با سست موشک بهما نجا اما بیست می‌کند. دیگری بریدن سیم پشت موشک است که قطع کردن آن باعث منحرف شدن و سقوط موشک می‌شود و هما بطوریکه گفته شد چون موشک در سطح یا شین حرکت می‌کند و با چشم دیده می‌شود می‌توان با زدن از روی سر با سر نیزه یا خنجر با هر چیز تیزی سیم را قطع کرد. در ضمن بردشانی سیم که می‌توان سست موشک را هدایت کند به کیلو متر است و بعد از آن اگر موشک به هدف نرسیده با سیم بریده و موشک مسیر مستقیمی را پیش می‌گیرد سواً بجای خود رفته و منفجر شود. اکثر در تزارشها بی خوانده می‌شود که موشک به هدف نمی‌رسد و در بعضی طرا اینست که شلیک کننده ارتست

اخبار اصفهان

از اولین روز اسکان جنگ زدگان خوزستانی در نقاط مختلف میهن نیروهای سیاسی نیز در میان آنها اقدام به فعالیت نموده اند. در خوابگاههای دانشگاه مصطفی اصفهان نیز بعضی از نیروهای سیاسی منجمله ما زمان مهاجرت به کار سیاسی مشغولند. در این رابطه یکی از دختران هوادار ما هدی که فردی فعال و نیز دارای نفوذ و پایه در بین جنگ زدگان است توسط پادشاهان به زشت ترین وضعی دستگیر میشود. جا کمان جدیداً مستعداً و نیز خیلی ناشیانه شیوه های آریا مهری را در نهمت و اقترا بختن به انقلابیون بکار میسرند. بطوریکه خواهر ما هدی را بجرم داشتن تریاک دستگیر میکنند که بر اثر مقاومت صورت گرفته و شتم فرار میگیرد. پادشاهان پیراهن او را با ره میکنند. جنگ زدگان با دیدن چنین وضعی با ری دستها اعتراض می زنند. حمایت مردم را این مهاجرت را هیبتی و تخصص در مقابل زندان شهرستانی در روز سه شنبه ۶۵/۱/۱۸ ادا می کنند. با این وجود دادگاهها نسبتاً "انقلاب" وی را به دو سال زندان محکوم میکنند.

در تاریخ ۲۶ اسفند ۵۹هـ چهار نفر از کارگران شرکت دینار که در دانشگاه مصطفی کار میکنند مسئول دفتر علمی دانشگاه را به گروگان گرفتند. علت این امر عقب افتادن ۶ ماه حقوق و اجزای دیگر بود که در حق کلیه کارگران و زحمتکشان این مرز و بوم انجام میگیرد. طالب تذکراتی است که آقای محمد علی نجفی "مکتبی" که از طرف پادشاهان دانشگاهی به این سمت منصوب شده است با قسم به اینکه شرکت دینار حقوق کارگران را پرداخت نکرده است با پرداخت وام به این شرکت موافقت می نماید. آقای پدروانی صاحب شرکت دینار نیز پس از گرفتن وام فراروا برقرار ترجیح میدهد (البته از انبساط پادشاهان و آسکار مسئولین دانشگاه و پدروانی تا اینجا ما سی خبریم). کارگران شریف و زحمتکش شرکت دینار نیز چون ارفرار صاحب شرکت با خبر میشوند مسئولین دانشگاه را مسبب قلمداد میکنند و مسئول دفتر علمی را به گروگان میگیرند. بعد از مدتی کش و قوس و بحث و مباحثه با مقامات دانشگاه که عزم و اراده را سخ کارگران را می بیند تسلیم شده و با پرداخت ۲ ماه حقوق اربوده دانشگاه موافقت میکنند. کارگران پس از پایان گروگان گیری موضوع را از طریق "دادگاه انقلاب" برای گرفتن ۴ ماه حقوق عقب افتاده خود پیگیری میکنند.

چهارشنبه ۶۵/۱/۱۹ پادشاهان و جماعتی در استان به عده ای از رفقای ما که در حال فروش شریه در میدان انقلاب بودند حمله کردند. یکی از پادشاهان که جماعتی نیز به زیر نفوذ داشت اقدام به پاره کردن شریات کرد و رفیق فروشنده را به زیر مشت گرفت. رفقای که همراه رفیق فروشنده بودند نیز بیگانه نیستند و یکمک مردمی که در میدان انقلاب حضور داشتند به پادشاهان درین غویی دادند. بعد از این کوششها، رفقای ما شعارهای

"کیش، کیش چماق دار..."، "سرگ برار جماعت" و "حزب چماقی بدستان، با بیداره گورستان" را سردا دند که چندین بار بوسیله ها فرین تکرار شد.

اصفهان شاهد شده است که عده ای از پادشاهان با لباس شخصی بدون ریش! و با کلت در سطح شهر مخصوص مراکز تجمع و فعالیت نیروهای سیاسی (نظیر میدان انقلاب) درگشت و گذارند. حزب آبرویا خنه، فد جمهوری برای ایجاد اختلال در فعالیت حکومت نظامی اصفهان در سطح شهر زده است تا از این طریق بتواند نیروهای انقلابی را شناختی و سرکوب کند.

در هفته پیش یکی از سرایان منقذی ۶۰ به مرکز پادشاهان پادشاهان میروند و با عده ای از پادشاهان که در مرکز حضور داشته اند وارد بحث و صحبت میشود. این سرایان انقلابی که تازه از حبسهای سردی اشرار بهشتی برگشته و شاهد خبیثت سیاسی سببی بوده است دست به افشاکری در مورد خبیثت های انجام شده میرند. این بحث ها که عین واقعیت بوده است و پرده از چهره کبریه مرتجعین حدس در برداشته است، "باب طبع آقاها" تکرار نمی کرد و یکی از پادشاهان کلت خود را میگذارد و میگوید "عربزرا میگذارند و ما بحث نهادت وی میگرد. جنگ و نفرین سر آمان باد."

میدان انقلاب اصفهان که یکی از نقاط مرکزی و در عین حال پر رفت و آمد می باشد، مرکز تجمع خوزستانی ها نیز می باشد. عده ای از آنها به دست هروشی مسئولین عده دیگری نیز پیگیرند و سرای وقت کشی و... به این محل میآیند. از طرف دیگر بعضی محل مرکز فعالیت های علمی نیروهای سیاسی است. نیروهای سیاسی، عموماً در این محل اقدام به پخش اعلامیه و فروش شریه میکنند و طبق معمول سبزه همیشه درگیری بوجود میآید. خوزستانی ها شای که در این محل تجمع میکنند، بیوسه (از زوایای کوبا - گون) به دفاع از نیروهای سیاسی و بر علیه پادشاهان و پادشاهان داران عمل میکنند. این عمل باعث ناراحتی پادشاهان و حزب الهی ها است و از این رو همیشه در فکر اهرام با سدن این محل تجمع بوده است. تا اینکه در تاریخ جمعه ۶۵/۱/۲۱ دعوتی بیسی تعدادی از خوزستانی ها و عده ای دیگر در میگیرد. به نظر میرسد عده ای که تحت نام "اصفهان" در میدان آمده بودند به حساب پادشاهان و مدیریم حزب قرار داشتند. در این درگیری یکی از خوزستانی ها بوسیله "فد بطرز فحیمی گشته میشود. روشی است که هدف از این عمل مرتجعانه در درجه اول اها دود بکنی سن مردم، ابا دجور و ارتقاء و به منظور سرکوبی نیروهای سیاسی است.

روز چهارشنبه ۶۵/۱/۲۶ در کبیری جمعه گذننده فرار بود که عده ای از حزب الهی های سواهی همین آباد فرج - آباد، دستگیرند. مسجد لیبان، طومجی، زبیدیه، سیچون و... پسین ساعت ۳ - ۱ در میدان انقلاب با شریه دانه های خوزستانی ها را برهیزند. این مسئله در چهارچوب حقوق قابل فهم است. حزب گذاشتی بعد از آن قلمرو سیاسی روز جمعه در نظر داشت تا دست به یک حرکت جماعتی در آنه دیگر برسد و نوطنه خوش را تکمیل کند. اما با باطلی (؟) نتوانست این سر را همراهی کند.

گزارشی از وضع یکی از خوابگاه‌های جنگزدگان در شیراز

خرما (خرماهای گرم‌زده‌ای که در خوزستان برای دام‌زبان استفاده می‌گردند) بهر دیگری سه ما سدا ده‌اید. "مستولین" خوابگاه‌ها بین صحبت به مذاقتان خوش نمی‌آید میگویند این شخص شایسته پراکن است و متون پنجمی است. ویی بهانه می‌گردند تا به افسوس‌ساز خوابگاه‌ها نسبت کنند و خدا بقلب است. بنا با لایحه یک روز موفسغ نهار معذاری پوست تخمه در غذای این شخص پیدا میشود و وی بدون اینکه غذا را بخورد و تعویل میدهد و آنها با استفاده از این موفسغت به "افتا گری" میبرد از ندر و میگویند به بیند این شخص بخاطر اینکه وضعیت خوب است و احتیاجی به غذای ما ندارد آن را پس میدهد و این کار را هم خودش عمداً انجام داده (یعنی ریختن پوست تخمه در غذا) که البته این صحبت‌ها بخاطر ضامنت افراد خوابگاه‌ها را پس فردمبارنا شیری برزوی آنها ساد است.

دیگر اروا بیع این خوابگاه و اعمال این آفانان مربوط به برنا مه ۲۲ سهم سالروز انقلاب بهر تگوه ایران بود که افسر ام خوابگاه سرما مه خوبی را ترشیت داده بودند تا سالروز انقلاب آن را ارج گذارند. در این سرما مه قرار بود مقایسه‌ای خوانده شود و شما سنا مه و سرود نیز اجرا شود. تعدادی بلیت هم برای برنا مه فروخته شده بود که پولش را میخواهند صرف جنگ زدگان کنند. ولی سلباً اینکه در آن سرما مه بمسماله گفته شده بود را اجسرای برنا مه در روزهای بعد جلوگیری بعمل آوردند و گفتند شما میخواهید آشوب سها کنید. آیا سالروز انقلاب را جشن گرفتن آشوب است؟ آیا این زمان و مردانی که در انقلاب شرکت کرده و اکنون عزیزان شما در جبهه‌ها مقابل شما و مزدوران یعنی استاده اند حق برکاری مراسم و جشن انقلاب را ندارند. چون در همه ما شما میخواهید اسما رطلسی کنند و همه چیز را بر سر خود سگرید.

از طرف تلویزیون نیز مراسم‌های با افراد این خوابگاه در مورد وضع غذایی و مسکن و کلبه مسائل جنگ زدگان برسیست داده میشود. یکی از افراد خوابگاه در مورد غذایی که به آنها داده میشود میگوید: «اولاً سهداش رعایت نمیشود (یعنی شبی در عداهای آنها دیده شده) و بنا بر سرای خانواده‌های پر جمعیت کافسیست نیست. هفتم: بهر سها بنده آفای استا ندارد در ما حبه تلومر سوسی میگوید مسئله عدم بهداشت صحت ندارد و در ضمن آنقدر به آنها غذا داده میشود که حتی اقامه آن را در سطل آنمال می رسد. برای روشن شدن ذهن شما بنده استا ندارد سوسسسه‌ای از نلت دور ریختن غذا آورده میشود تا معلوم شود آفای سها بنده استا ندارد واقعا سندا نند نلت دور ریختن غذا چیست و با خودمان را به نظری می‌رسند.

موضوع بدینی صورت بوده که یک شب دو پیاژه آلز آورده شد. از رنگ غذا معلوم بود که گهته شده و ما بنده استا بعضی از افسران از گرفتن غذا امتناع کردند ولی عده‌ای چون مجبور بودند و خوری سرای خوری نداشتند غذا را گرفتند. مدتی نگذشته بود که از یکی از طبقاته‌ها فریادی بلند شد که هر کس غذا را گرفته نخورد چون عمداً مسموم است. آن شب عده‌ای از افراد خوابگاه مسموم شدند. حسی عده‌ای نیز به بیمارستان انتقال داده شدند. این آفاناسی که

در زیر گزارشی از یکی از خوابگاه‌های آوارگان جنگی در شیراز می‌آید نشان داده شود بهر طور حزب ارتجاعی مفسسوری اسلامی و سران بر مستند قدرت نشسته‌اش بر خلاف ادماهای بسوج و توفالی که از اخصی و رسیدگی به آوارگان جنگی میکنند چیزی جز ترس و الفکشی و آزار و اذیت جنگ زدگان نبوده است.

خوابگاه صنایع الکترونیک واقع در بلوار مدرس یکی از خوابگاه‌هایی است که در آن حدود ۱۷۰۰ نفر از آوارگان جنگی اسگان داده شده اند و اکثر افراد این خوابگاه از خرمشهر و آبادان آمده‌اند. دو هفته بعد از شروع جنگ تحصیلی این خوابگاه به سه آوارگان جنگ داده شد و بلافاصله پس در وقت بعد از نماز با سدا رسد آنجا آمدند تا با صلاح نظم و حفاظت و تقسیم آذوقه و غیره راه عبده بگیرند که در واقع کارشان کنترل رفت و آمد و بر سر طردا سسسی افراد باکی خوابگاه بود. یکی از زورکوشیهای آنها جلوگیری از ورود مردان به درون خوابگاه بود (السته مردان کمتر از ۱۵ سال ریشتر از ۵۰ سال معاز می‌بودند خوابگاه‌ها پیدا). هر روز سسج و صرا سله بدست می‌آمدند و تا آنها را می‌کنند تا مطمئن شوند که مردی در خوابگاه نمانده باشد. و به اصطلاح دلیلی هم که سسرای کارشان دانند این بود که میخواهند جلوی آنها را بگیرند و در صمی مردها را به جبهه بفرستند. حتی یک روز صبح تعدادی افسر ام صلیح به زس سه سها نه اینکه افراد جنگ زده به روی سست با سها صیگر گرفته اسما برای مقایسه با آنها آمده اسما و ادا تا ق سها شده و مردان را به زور وارد می‌سوس کردند تا به جبهه بفرستند. یکی آنها درگیری میشود و زمان خوابگاه مانع بردن سسردان میشود. این سیاست (جلوگیری از ورود مردان به خوابگاه و بطور اخباری فرستادن به جبهه) با اعتراض و مقاومت افراد خوابگاه رو بر آورده و مدتی ادا به پیدا میکنند تا اینکه بهر یکی از خانواده‌ها برای دیدن خانواده‌ها جبهه می‌آید و مانع ورود و مستوند و چون مقایمت میکنند و مارک سسور سسومی می‌رسند و افراد خوابگاه به سختی با این فرسندند و مستوند و جلوی در خوابگاه سسسی میکنند و با لایحه موفسغ مستوند خواسته خود را بگیرند و از آن روز به بعد مردان حق ورود به خوابگاه را پیدا میکنند. البته با پیدا این آفانان چیزی گفت کدام حرف شما را باور کنیم: به زور فرستادن مردها را به جبهه و با اطلاعیه‌ها در کردند تا راکه هیچ نسروی سها سی حق آمدن به مناطق جنگی را ندارند؟ سگر بدتان رفتن از مردانی که دا وظیفه‌ها را هی جبهه میشوند و از انقلابیونی که در جبهه‌ها جانبا زانه مقایمت میکنند چه استقبالی میکنند. سسگر با دقتان رفته مردم فریاد می‌زنند: ما به جبهه می‌رویم ولی به سسسا اسطحه نمی‌دهد.

در همان مدتی که نشان برای ورود مردان به خوابگاه‌ها می‌آورد می‌گردند یکی از مخطولین استا نداردی به خوابگاه آمده و میگوید اگر مردها به جبهه بروند ما حتی بهتر از این سها رسیدگی میکنیم. یکی از زنان سها رز میگویند تا بحال که گازی انجسسام نداده‌اند. تمام این خوابگاه‌ها از دسترنج بدران و مستان دران و هموطنان ما ساخته شده و بنا بر این منطبق به خودمان است و سسستسا هیچگونه منتی نمیتوانیم بر ما بگذارند. در مورد غذا هم به جز نان و

اخبار اصفهان

دوشنبه ۱۷ فروردین چهارم و نفر حزب الهی سه یکی از
 فروشندهگان نخریه، مهاجدر میدان انقلاب حمله میکنند و
 فروشنده، مهاجدر مورد ضرب و شتم شدید قرار میدهند، حزب الهی
 ها به جا قوم مسلح بودند و قصد کشتن فروشنده، نخریه را داشتند که
 یکی از دوستان او بموقع سر میرسد و به مهاجدها اینکه میخواهند
 اورا سه سپاه ببردوی را از سه لگه نجات میدهند.



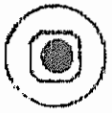
بدنسال بخشنا مهائی که از طرف استانداری ما درندگان را -
 آموزان قسمت های مختلف بیداری، بخشی ارکا را بوزان نوبه
 آهن و دیگر کارآموزان بیگانه شدند. گروهی از این کارآموزان
 سکا شده (حدود ۳۰۰ تا ۵۰۰ نفر) در استانداری نهم نمودند
 و خواهان پرداخت سه ماه حقوقی عقب افتاده و تضمین کار شدند.
 کمیته، هماهنگی کارآموزان که زیر نفوذ ایدئالیست ها اکثریت
 است در ابتدا متحصصین را دعوت به شکستن نهم میکنند که اکثر
 کارآموزان تا این تصمیم مخالفت کرده و خواهان ادامه نهم
 و راهبمانی میشوند. در همین این کارآموزان همسواداران
 اتحادیه، اقلیت، بیگانه رومها همدین در ادامه نهم تا رسیدن
 به حواسنه ها بیان تلاش میکنند. حالت اینهاست که اکثریتی ها
 که با دیروز تکمیل نهم را ضابطه میگردند، امروز خواستار
 ادامه آن و گرفتن حق شده اند. از قرار معلوم آقا بیگانه
 اکثریتی تا آیت اله طاهری و آقای سالک (رفقای "فدا میر -
 سالستیا") دیدار و گفتگو داشته اند و طبق رهنمود آنها
 تصمیم به ادامه نهم گرفته اند. گویا مذاکراتی بین آقای
 داودی و طاهری اکثریتی ها را به ادامه نهم (همی حمایت
 از طاهری وقتا گذشته سر داودی) تشویق کرده است. این
 مسأله همچنان ادامه دارد.



روز ۱۳ فروردین هواداران اکثریت نماینده ای را
 در فولادشهر جرادری آوردند. مضمون این نماینده ها صلاح
 فدلیمرالی و سد آمریکا بی بوده است، ضمن ابرای نماینده
 اکثریتی ها مواجعه با اعتراض مردم میشوند. مردم بدستنی از
 اکثریتی ها مسرستند که چرا اسی از شوروی در این نماینده
 نمی برید؟ البته سوکران همدرو سده سرکه باخ به اسی
 سؤال را به صرف خویش نمی شنیدند از دان جواب طهره میروند.
 اما مردم خود در مقام پاسخ بر می آمدند و پاسخ مناسب
 شمار "مرک بر شوروی" ارائه میدهند. اکثریتی ها و دمی کسی
 سیستم مردم را رسیده اربا نشان سدوسرا میگویند بساط
 خود را جمع کرده و فرار را سوزا ررجح میدهند.



یکی از هواداران اکثریت که نماینده ای از سوزا را صفهان
 آمده است میگفت یکی اروپا است "اشفالی" شان عرب و نهم
 نیروهای سه جهانی (مسفورکنه) سوزهای خط ۱۳ است. وی
 میگفت که ما ایمدا به عنوان حزب الهی ساسی سوزها وارد
 نعت مضمونیم ز سدا ز اطمینان و طبعه، "اشفالی" خود را سب و
 لنگدو... اسام میدهم، محسروشی از رجاغ وساه بر سسی
 ساند های طاکم، ساک کردن سفا رهای اشفالی، عرب و سیم سوزو
 های اشفالی و... را سنی که ارسوسا لیم سوز روسی سسوزا
 این هم سسی سوزا سسوزا است!



این خبرها را تفسیر کنید!

با توجه به وجود دایره های سیاسی ایدئولوژیک و استهسته
 حزب جمهوری اسلامی در ارتش و سپاه، وجود انصران عالی رتبه
 شاهپرست در مدارج عالی قوای مسلح و بیض و پیل بودن هسته ها و
 عنا مرضا انقلابی ساواکی، حزبی و نژادهای در نهدای ما کسم
 بر کشور، واقعا دشوار است که با شنیدن این اخبار رنهم سوزا ده
 شود که این کارها، کارگذا میگ از این دستجات میماند. بنظر
 ما کار همگی این دسته ها است. در واقع یکی از مشکلات بفرسی
 سپاه در هفته های اخیر تشخیص سفاوت ساسا و ساه و کسی و
 حزبی و نژادهای سبب شده!

اما خبر:

- ۱ - در پانزدهم قلمه مرغی شمار مرگ برودت سوزکا تفسیر
 در مراسم صبحگاهی ممنوع شده!
 - ۲ - در پانزدهم جمعی (سهرآباد جمعی) هروزی نخریه
 انقلاب اسلامی در مقابل در پانزدهم ممنوع شده و غلبه
 این نخریه سبب شده!
 - ۳ - در این روزها دیده شده که فرما سدهها دنیا سسوزا
 (سهرآباد دو... پس از سوزا نسی تا کمید میگردند که سسوزا
 از انقلاب نظام ارتش عوض سنده و هما مطور که ما کم سسوزا
 سایدان فیت ارمایون و قانوی ارتش (همی همسوزا
 قانوسی که بگفته، اطمینان عوض سنده - همی سسوزا
 ساهنتا هی ارتش) به هر صورت که سده در عا بیب سوزا!
 - ۴ - در قزوین این روزها در متهای سپاه سسوزا
 سوزا نسی میشود و سسوزا سسوزا گهنه میشود که امروز سسوزا
 ایران خوارچ هستند و نسبت به حزب بدبین و غلبه
 آن سوزا میکنند! و اینکه سسوزا سسوزا سسوزا سسوزا
 (همی مردم ایران) ایضا دمی سسوزا سسوزا سسوزا
 کنند.
- آیا این اخبار بیان نوظنه، مشترکی نیستند؟!



جنگ زدگان...

خوابگاه پیش استانداری رفته و مخالفت گنیه، افراد خوابگاه را به
 استانداری میگویند. به آنها قول داده میشود که این شکل جیسره،
 طنک، فقط تا اول اردیبهشت ماه خواهد سوزا آن موقع دسوزا -
 هاشی درست میشود که تمام اجسام مورد سسوزا سسوزا سسوزا
 واقعا مستضعف هستند بطور ممانی و آسها شی گه سسوزا غل هستند بطور
 نضف قیمت تا مین میشود. حال کی عملی میشود، خدا میداند سسوزا و
 خودشان. دیگر از اعمال عوامل حزب گذاشی در خوابگاه سسوزا
 جنگ زدگان کنترل رفت و آمد خود افراد خوابگاه و کسان سسوزا
 برای دیدن آنها و کمک به آنها می آسند و تا بحال دونفر را کسه
 برای دیدن آنها آمده اند و سسوزا سسوزا سسوزا سسوزا
 سسوزا سسوزا سسوزا سسوزا سسوزا سسوزا سسوزا سسوزا

اندز حدیث افاضات ندیع و اندز حکایت وقایع ظریف!

درباب مسائل نامیم!

اغیرا قضیه ۶۶ میلییون دلاری پول زبان سینه ملین که در یک چشم بهم زدن تفلله شد و بیسک لبوان آبی هم که بیروی آن نوش جان فرموده اند، بهرخی اربابدار اوردند و مصدق و مستند بهر پیور (!) جمهوری اسلامی رایه اظهار است. لهیات شمیرینی واداشته است. ار آن جمله، جناب مستطاب، حضرت آقای آیت الله دکتر محمد بهشتی، رئیس دیوان عالی کشور، دبیر کل حزب رستاخیز (پسند جمهوری اسلامی!) و فرمانده کل جمان است که در یک مصاحبه مطبوعاتی فرمود: "این مسئله ای نیست که این قدر آنرا بزرگ کرده اند". نویسنده، حاضر هم دانست کم کم مطمئن میشد که سی الوافح هلاکت ۶۶ میلییون دلار مسئله ای نیست و وقتی ما برای ۱۰ میلییارد دلار چرنکه نیانداختیم، ۶۶ میلییون دلار که جای خود دارد! تا اینکه از سد روزگار بر خوردیم به یکسوی از اقوام که دانشجوی باز نهشته ای است (!) و بر حسب مقتضیات ظنی سابق (!) یک ما شیب حساب جیبی مارک "کازو" دارد. ما هم که ندیدید بدید شروع کردیم به وررفتن و بازی کردن حساب ما شیب حساب. یک هفته زد به سرمان که تفریحی هم گذشته، یک مقدار چرتکه بیاندا زیم ویسی از مقداری ضرب و تقسیم و جمع و تفریق با این نتیجه رسیدیم که ۶۶ میلییون دلار، با حساب دلاری ۲۰ تومان میشود یک میلییون و ۲۰۰ میلیون تومان گسه مساوی میشود با حقوق یک ساله ۴۶۴۹۲ کارگر با ده ایاب روزی ۶۶ تومان حقوق و با زمای می شود با حقوق یکساله ۳۷۳۳۳ کارمند و معلوم شده (با ما همی

درباب اعمال غیر اخلاقی!

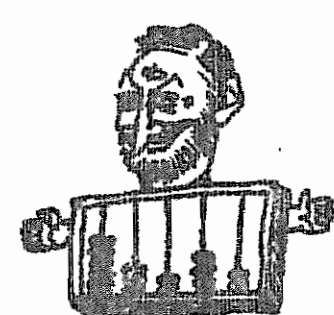
ظنی ۲ سال اخیر، ده ها تن به حرم عمل لواط (که صرفاً یک مرض روانی است و کسانیکه به آن دست میزنند، بیسار روانی مصوب میگردند) اقدام و حتی سنگها رگشته اند. احسرا دادگاه انقلاب اسلامی شمیرین، حجت الاسلام سید رحیم مؤسسوی (که گویا بهرحا کم شروع میگردند سیر تصرف دارند) رایه عسرم همین عمل لواط با یکسوی از پاسداران میگردند، به خلسه

درباب حاکمیت قانون!

سها دخان نسوی را گشتند: حمت حکایت خانه سرخراب کردن، مردم گرم دره را؟ گفت: "گرچه سن شخراب ما رایه بساد ماده ۱۰۰ نیکی بی شهرت زمان طاعت میاندا زد، ما هموطنان ما بد توجه ما بسد که این تشابه نیاندا بیع از آن شود که در کشور نظام قانون (السنه مفسود از قانون ماده ۱۰۰ نیکی بی است) حاکم باشد" (انقلاب اسلامی ۶۰/۱/۲۰) این گفت و خاطی سر رعایای جنمانتظارها کم نیست قانون سیاسی!



میخواهیم بگیریم و آن است است که اولاً ما همین حساب "کاربو"، ما شیب حساب قابل اطمینانی نبوده و چه بسا جز سنون بسجموما مورثا به سازی و جوسازی سر علیه باران "صدیق" اما ما است، بنا بر این مهرانه اردولت مکتبی خواهانیم که ضمن ممنوع کردن واردات این نام از ما همین حساب، سرسما به ا مرجع آوری و معدوم ساختن آن همتا کار!



"بسر حزب" مارگان بهشتی خاندان "نبوتی" کم شد! گاردولت "جو" نیکی بی" گردید آفت خانه های مردم شد! (با عرض بوزش فراوان از ضمیمه احل سمدی شیرازی!)

چنگزدگان...

بقیه از صفحه ۱۴

در حال حاضر تمامی امور خوابگاه زیر نظر شورای منتخبت از خود افراده خوابگاه و بیبا شدوا البته از طرف عناصر معلوم البعاسی که قدشورا هستند مقابل آن سنگ اندازی می نمود و میخواستند برای آن بیپوش درست کنند و با اینکه از طرف استانداری کمک نمیکنند تا شورا در میان افراده خوابگاه محبوبیت خودش را از دست ندهد. که البته کورخوابگاه اند. اگر افراده خوابگاه فعلاً این وضعیت تحمل کرده اند منتظر هستند ببینند دفترچه ها می که قول داده اند باشند چگونه است. و گرنه میازات چند ماهه گذشته، این خوابگاهها نشان داده که هیچگاه مقابل زورگوشی و اجها فاکت نخواهند



پیکار

شعبه از صفحه اول

دخنه‌ای در قلب سر ما به داران و حاکمان نشان فرود گرفت " سر راه افتاد، تظا هراتی بی که نشان داده، بیگانه‌گی کامل است. سازمانها از حرکت توده‌های مردم بود. تظا هراتیهای ۲۲ دی ۲۲ بهمن ۱۳۵۹ از جمله " این " تعرض " های ما ورا " انقلابی " پیکار رگران " بسود.

" پیکار " در ارزیابی از تظا هراتیهای ۲۲ بهمن جنسین نوشت: " علمبرغم تشیبات گوناگون ارتجاع حاکم و مداخله جنسین روی بر زمینت آن از " توده‌های " و " اکثریتی " ، کمونیستها موفق شدند با راهپیمایی چند هزار نفره مشت محکمی بود همسان با وه گویان بکوبند و نشان دهند که در راه‌های طبقه کارگر و سربازان سوسیالیسم مصممانه به پیش میروند. " (" پیکار " ۹۴ ۲۲ بهمن ۱۳۵۹، تاکید از ما است) و برای اینکه " حفاظت " این تظا هراتی و " استقبال " بی شائبه مردم را از آن نشان دهسد نوشت: " گروهی از مردم زحمتکش در طول مسیر از بیاد دهرها و وسایعها نهی اطراف با گره کردن مشت و سایر از اساسات از راهپیمایی کمونیستها حمایت میکردند. " (هما به جانب تاکید از ما است) این ارزیابی عمومی " پیکار " از این گروه " تعرضات " و تظا هراتی بود. البته " پیکار " در انتهای این ارزیابی بهما گوشزد کرده بود که " راهپیمایی ... نکات مثبت و منفی متعددی در برداشت " و قول بر خوردید آنها را بما داده بسود. تا با لایحه در یکشنبه و یکمین شماره، خود در مقاله‌ای تحت عنوان " تظا هراتی ۲۲ بهمن : یک تجربه و درسهای آن " به " نکات مثبتی " این تظا هراتیها " دینی اشتغالی " که وعده‌هایش را داده بودند به این مسئله برخورد کرد. اما زده‌های ما هم این " اشتغال ز خود " داعیه‌ها؟! را بررسی کنیم.

" پیکار " عمل از آنکه به " اشتغال " از خود در بسار راه تظا هراتی ۲۲ بهمن به بردارد ۲ صفحه و یک ستون کامل به توضیح عمومی، با تمارین " خارق العاده " نویسی در مورد تظا هراتی و پس گرفتن یک رشته مواضع خود بطریق زیر سستی!! پرداخته است که ما بدانها برخورد میکنیم.

تعاریف من در آوردی و مضمون راست آنها

" پیکار " در بخش اول " توضیحات عمومی " خود تحت عنوان " شرایط عمومی جنبش و خط منی عمومی تاکتیکی " پس از بر سر کردن اوضاع در مجوع از دستگاه خود تعرضی بودن جنبش به بررسی شکل هراتی تظا هراتی میبرد و در یکی از تمارین نویسی و خارق العاده و بدیع خود را عرضه میکند. " پیکار " می-گوید:

" تظا هراتی هراتی در این شرایط، سر حسب نسوج ، مضمون و ترکیب خود سه دو صورت و دو هدف میتوانند زمان بیاید. نوع اول تظا هراتی که نقطه آغاز آن یک حرکت خود انگیزانه توده‌ای، حول یک خواست و شعرا را قضاوتی بیاسی صمیمی و ملموس است. خصیصت چنین تظا هراتی، خود انگیزانه و خود بخودی بودن آنست که از طبقین معساک رزه خود توده‌ها (تاکید از " پیکار ") جو شیدا است و

کمونیستها و نیروهای آگاه ، تنها جهت و سازماندهنده، این نوع تظا هراتی میباشد. طبیعی است که در جنبش تظا هراتی ، نیروهای آگاه ، علمبرگم گوش در جهت ارتقاء توده‌های شرکت کننده و راهپیمایی گسترده آن ، میباشد. شعارها و حرکت خویش را با مضمون ، حرکت ، آگاهی و شعارهای خود انگیزانه ، منطبق سازند، (تاکید از ما است) . نوع دوم تظا هراتی است با خصیصت تبلیغی که از جانب نیروهای آگاه و انقلابی (تاکید از " پیکار ") به منظور ارتقاء تظا هراتی و ذهنیت توده‌ها و با هدف تبلیغی (همچون دیگر اشکال تبلیغی) سازمان داده میشود. این نوع تظا هراتی که در واقع، مستقیم یا غیر مستقیم سیاسی حاکم بر جامعه دارد، حول شعارها و خواسته‌های سیاسی و موقراتیک منحصی که در یک مقطع معین در میان توده‌ها حذب دارد (تاکید از ما است) و با توجه به جمیع ملاحظات تاکتیکی و تکنیکی (!!)، میتواند برقرار شود.

بدین ترتیب با دو نوع تظا هراتی با نسی مواجه هستیم. البته طبق تمارین " پیکار " ، اول تظا هراتی که سوا انگیزانه حرکت نموده، مردم است و کمونیستها با بدر آن شرکت جویند (که اگر ممکن است " پیکار " برای نمونه یکی از تظا هراتیها میباشد) و توده‌های راه که در آن بطور " غیر رسمی " شرکت یافته برای مثال (سایر) و دیگری تظا هراتی " تبلیغی " !! از جانب کمونیستها و نیروهای آگاه و انقلابی . این دو می از ادعای " پیکار " است. تظا هراتی هراتی شکلی از صیغه عملی است. حاصل میخورد و در واقع با شدیدا از طرف سازمان و گروهی فراهم شده است. سازمانها و گروهها هم زمان تکه مردم را به تظا هراتی دعوت میکنند، آنها را به عمل منضم دعوت میکنند، عضویت تعرضی ، مقاومت جویند ، اعتراضی و ... این تعرض تازه از تظا هراتی بدینی " کار " تبلیغی " که " پیکار " بر آن تاکید کرده و در گذر سالها " اشکال تبلیغی " میکند از ابتدا عیب " پیکار " است .

البته " پیکار " بی خودی جهت به این تعاریف من در آوردی منوط نگردیده است. " پیکار " یک رشته تظا هراتی جدا از توده در ۲۳ دی و ۲۲ بهمن و ... فراخوانده است که بیساختار است و جهت ندارد. فیلا استگونه تظا هراتی را " تعرضی انقلابی " خطاب میکرد، ولی امروز آنها را " تبلیغی " میدانند. البته " تعرض تبلیغی " است؟! " پیکار " بجای اینکه به غلط بودن کامل استگونه تظا هراتیها بیچ نمایند، جدا از توده ، (چهار لحاظ مضمون وجه از لحاظ شکل) برخورد نمایند، به ما شما نسی ضمیمه برداشته است و برای توجیه هراتیها در مقابل تظا هراتی از تظا هراتی را ابداع کرده است. ولی مناسبتها را بعضی غلط و من در آوردی است. اگر چه تظا هراتی " دار و ندولی در مضمون کا ملا راست هستند. اما زده‌های ما را مستحق شکرانیم.

" پیکار " در مورد وظیفه کمونیستها در مقابل تظا هراتی نوع اول- " میگوید: " علمبرگم گوش در جهت ارتقاء تظا هراتی شرکت میکنند. ... میباشد. شعارها و حرکت خویش را با مضمون حرکت ، سطح آگاهی و شعرا خود انگیزانه منطبق سازند. " این صیغی فرقی با آگوستو میسما با ندارد. کمونیستها در مقابل هراتی تظا هراتی خود انگیزانه سوا شعارها و حرکت خویش را با مضمون حرکت ، سطح آگاهی و شعارهای خود انگیزانه منطبق سازند. با لکنس ، اگر چه با بدین نقطه آغاز حرکتها ن سطح آگاهی مردم باشد. با بدین را ارتقاء دهند. جهت گیری و هدفمند بودن را مشخص و روشن کنند و آنرا سوا می کنند و ...

پیکار

بهار از صفحه ۷

رمانی شلیخ کنید (مظاهرات طبیعی بگذارید) گذار سوده ،
 آنهم آن جمعیت وسیع سوده ، چیزی بسیار است ، اسفند راست ، گریه
 آور است ! ما هم در طایفه هر چه سنا ، در مضمون راست ! اسم ایسی
 را هم بگذارید " اسفند از خود " !! ولی درد " پیکار " ایسی
 نیست که در همین عوالم تکسکی نفسی مبرورمانی نظا هرات
 انبیا کرده ، درد در آن صی و نظام فکری است که " پیکار " در
 آن بر فوردا راست .

چرا پیکاریه " انتقاد از خود " برخاسته است

هما بطوریکه گفتم " پیکار " در مطالب خود در باره ، نظا -
 هراتهای ۲۲ بهمن نور ایس از اس نظا هراتها - به سر سست
 و محض در ابتدا لوصفی از ایس " عرض اسفندی " بردا حب ، و لسی
 ما گمان درضا ره ، مدو یکم بنور دایس به ایس " اسفند از خود " و
 رو آورد ، چرا ؟ از هرات و به ایس " اسفند از خود " مستحور
 گرفته است ، نحوه کنید :

" در همین جا با شما به کسب که این نحوه ، شرح میورد
 محض بر به بهران نبود . . . رفقای ما در ما هم به . . . سده
 حرکتی دست زدند که با سهای بسیاری برای ما در سرت
 داشت . . . سبب من موقعیت و سراط ساجی ، رمانی و
 شکای ایس ما کسب (" مظاهرات طبیعی " - حقیقت)
 محض بر سرت احرای موقعیت آمر آن است ، عطی که
 صفا سها به در ایس سهر صورت بگرفت ، و در سبب عدم موقعیت
 ایس حرکت و فایضا با ناگوار سدی آن انجا میسند ."
 (تا کنید با ما است)

ایس ایس ریضه و راه انتقاد از خود " پیکار " ، " رمان -
 سهای بسیار " و " صاحب با توار سدی " ایس " عرض اسفندی
 حرکت دهنده " " پیکار " - با سهر سکو ستم تحت سنا رهرا رگرفتن
 رهبری " پیکار " برای انتقاد از خود ایکی و راست روا سست -
 سوده است ، ایس " رمانها " و " صاحب ناگوار " سنا ربار
 جمیع که رهبری " پیکار " را محض ور کرده است با آن محض سست و
 سببدهای که در ایس بگردد و ایس جمیس " انتقاد از خود " و
 نکند ؟ ایسها سنا ر سبب ارد سکو سها و ضرب و خوجهای که در طی
 ایس مراسم " مستهل و سنا سکو " سنا سها وارد آمد ، " زنا سها "
 و " صاحب با ناگوار " که محض جمیس به ما سهر سوده ، در سهران
 و سهر بر و . . . هم اتفاق افتاده است ، اما همین زاویس سست
 " اسفند از خود " کنه راست روی " پیکار " را سولا مبها زد ،
 رهبری " پیکار " هواداران خود را به " عرض اسفندی "
 سبب سبب میکند ، ۲۲ دی را یک عرض اسفندی " ما سکو " صفا -
 مدو صی به کارگران هم توهیه میکند که ایس جمیس " سست سرت "
 نکند ، ولی ، ولی " پیکار " دلش سسوا هدایس " سست عرض
 اسفندی " مدون " صاحب ناگوار " و " زبان " سها به سست !!
 و ای چه راست روی بر رگی ایس ایس " اسفند از خود " ، ایس
 همان زاویه ، اشتبا در سرت سس روی سس سست سوده ای سست سستی
 چریکی بود که مرسا شلیخ میگرد که صی چریکی با عت ارد سست

رفتن مبارزین میگرد ، و سدی سس سس جوهر انقلابی حرکت راسته
 سس سس سس ، " پیکار " هم همین کار را میکند ، برای ایس
 که به مضمون و مضمونای صی هت سنا ما نه خود بر فور دینکند ، سست
 مبرورمان می سس و در اسها راست سرد سنا ورد : سست عرض
 اسفندی سس مولی سس و سس سس سس سس سس . ایس کن پذیر نیست !
 انتقاد سس اگر چه در حفظ سس و های اسفند و اعضای کار سس ای
 ما را سهای اسفندی سس سس ، ولی سسها زاویه حرکت سس سس
 " حفظ خود " سست ! " پیکار " به ایس در دجا رنده سست ،
 رهبری " پیکار " در سسضا روا قسبت که " صی و سنا کسبک هایس "
 به سس کجا حرف سس ای کردن سهای ارا عضا ، و هواداران سس -
 انجا مد ، به راست روی سس و سس و ایس سس سس سس سس سس و
 راه سس سس ای رفرا سس دادن را سس به سس سس سس سس و
 سس سس نظا هرات محدود سس عت است ، هواداران و عس سس ای
 " پیکار " با بد مضمون سس سس : سس سس ای " پیکار " مضمون
 راست دار و سس لافره سس سس " حب خود را بدو سس سس سس سس سس
 سس سس در شکل راست طا هری سس ، سس سس " انتقاد از خودها "
 سس و ایس سس سس ایس سس سس سس ! اعضا و سس و اواداران
 " پیکار " با بد سس مضمون سس سس :

درد پیکاریه در ملاحظات تکنیکی بلکه در

صی سس نمایانه می باشد

ادامه دارد

کمکهای مالی دریافت شده

محل	مبلغ	کسب	سهم
ریال امپهان	۵۰۰۰	۲۸	ر - ر
"	۵۰۰۰	۲۰	م - م
"	۱۵۰۰	۲۰	ف - الف
"	۱۰۰	۱	ب - ب
"	۵۰۰	۰۱	س - س
آغا چاری	۱۰۰۰۰	۱۹	ن - ن
"	۲۵۰	۲۰	ا - ا
"	۷۰۰	۷۷	م - م
"	۵۰۰	۲۰۰۲	م - م
"	۹۰۰۰		رفقای کارگرم سست
"	۵۰۰۰		عده ای رکارگران سست
"	۵۰۰۰		سست
هواداران ما رمان در			
رندان کارون اهواز	۵۶۰۰		
"	۱۰۰۰		ج - ج
"	۲۰۰۰		ب - ب
"	۲۰۰۰	۶۶	ف - الف
"	۲۰۰۰		زاده
تهران	۲۰۰۰		عاما - ک
"	۱۰۰۰۰		د - د
"	۱۰۰۰۰		سوف
"	۵۰۰۰		سهرام
"	۳۰۰۰		رفقای هوادار
"	۲۰۰۰		السهام
"	۲۰۰۰		بی
"	۱۰۰۰		هو سب
"	۱۰۰۰		بی - کارگر
"	۵۰۰		رضی هوادار
حالیوس	۵۰۰	۳	الف - الف
"	۵۰۰		ج - ج
"	۱۰۰۰		بی - بی
			رضی سس - که از تهران هدیه تان سست

پایانه از صفحه ۷۴
کارخانه
ایران پولین ...

گرمی مجنا بند - حقه - همبستگی شروع شد. همین گاه اوضاع را خیلی
 ناخودریدید گفت: برادران من چرا شروع میکنید! ما آمده ایم به
 وضع شما برسیم! ۵۰ نفر، ۵۰ نفر، ۵۰ نفر... شما شایسته این صحبت کنید
 و بقیه بفرکارشان بفرگردید! عده ای از کارگران وقتیکه همین
 صحبت با صحنی فهمیدند که او با این کار میخواهد بینشان جدایی
 بیندازد و برشان را شیر بهسالی بد، بجای صحبت، مجدداً در محوطه
 کارخانه تجمع و بهسنان افشاگرانه، کارگران گوش دادند...
 (منظور همان صحبت های اولی است.)

... همینی پس از پایان کار کارخانه ولیست سرداری از ۷۵ نفر
 برای پاکسازی و مدبر حکم تصفیه و دستگیری برای عده ای دیگر
 از کارگران مبارز کارخانه را تحویل بهساران مسلح داد. طبق
 دستور قرار شد که از روزه ۷۵ نفر طبق لیست به کارخانه جلوگیری
 شود.

سه شنبه ۱۳۶۵/۱/۲۵ - در این روز اصبح دوشنبه با مدار مطح بسا
 خواندن اسامی موجود در لیست ۷۵ نفر که ممنوع ورود بودند و
 مقابله آن با اسامی کارگران اینگونه از جلوی درب کارخانه
 میشوند، بیاتان اجازه ورود داده شد. با وجود کمیت ظاهری
 جماعتداران و پاسداران، کارگران تحت تاخیر سخنان واقفا -
 گریه های دیروز (روز قبل) بودند. خیلی افسوس میخورند که چرا
 تا حال این واقعت ها را کمی بیانشان نگفته بود. کسی حوصله
 کارودل و دماغ روزهای تپلی را نداشت. جای خالی دوستسان
 مبارز تحت تصفیه و ۷۵ نفر کارگران ممنوع ورود بطوری که
 میان حرفهای کارگران احساس میشد.

در حدود ساعت یک همینی که میخواست نهمین روز قبل
 و اثرات در کار کارگران بدانند و مرد مفیدی خود را ظرف
 کارگران حاضرند شروع به صحبت کرد: خواهان، برادران راه
 درست را انتخاب کنید... گول این افراد را نخورید... اینها را
 بسا معرفی کنید... شما زمین داده می شود... برای پتان خانه
 ساخته می شود!... من را اگر دعوت کنید به خانه، همه شان فواشم
 آمد... پس از پایان این شنبه برای (مخترانی) کارگران
 که تعطیل شده بودند با هم صحبت میکردند: ... دیروز ما فهمیدیم
 راه درست یعنی چه... شما که از حق ما گذشت نمیکنید، بطور
 خواهید برای ما خانه بسازید؟... مگر اینها (منظور کارگرانی که
 دیروز افشاگری کردند) چه چیزی میگویند که میخواهند ما را
 گول بزنند؟ از صحبت های پراکنده کارگران معلوم بود که بسا
 وجود دیگر و بیننده های روز قبل باساران مسلح و تمام عده های
 دروغین همینی، کسی فریب آنها را نخورده است. یکی از کار
 گران میگفت: کاری دارند میکنند که هیچکس حرفی نزد و همه
 از هم بترسیم!

... یکی از کارگران که چند روز قبل از این حادثه خودش را در
 تکی اخراج عده ای کارگر با خصمانی و روز مزد بود میگفت: تا
 یک هفته قبل ۱۲-۱۰ نفر برای کار روز مزد ما خصمانی در
 محل مشغول بودند. آنها همیشه روی مسائل مختلف با هم بحث
 میکردند. تا یک روز یک نفر از دفتر کارخانه آمد و با آنها گفت از
 شما دیگه اینجا نمانید. همه معلوم شد که بین این کارگران
 روز مزد هم همین گستاخه بودند و هم همه را با سر و سر
 مافوق "لو" داده بود.

با کمزری و اکبر زاده در حرکت بودند (تا سیرده در حدود ۳۰ مسیله
 قبل بعنوان تکتب همین مکانیک در این کارخانه مشغول بکار شد
 و در این مدت در کارخانه با مصلح مشغول کارآموزی بود).

... موقعیکه پاسداران یکی از کارگران مبارز و ضامن نورای
 قبلی این کارخانه را بدخل ماشین انداختند که همراه خودش
 ببرند. کارگر را تصورده ای از میان جمع کارگران خود را جلوی
 ماشین پاسداران رساند و در حالیکه دیکه ۵۰ نفر را بهراهن خود را
 باز میگردید و میزد. شما ها خیال کردین که چی؟! باید مسرا
 بکشید و بعد رد شوید! او را کجا میبرید؟ و در حالیکه خطاب بسا
 کارگران میکرد، میگفت: او را که دارن میبرن شما بنده مسرا
 است! شما موسی ما بت! ای برادرهای کارگر چطور اجازه میدید
 که اینها تا موسی شما را با خودشان ببرن؟ مگر غیرت ندا رسید؟
 وی با این سخنانش به کارگران تکان سختی داده بود. دوباره
 ادا داده که: ای برادر من از ماشین بسا بیرون (منظور
 کارگری که با ماشین سپاه کرده بودندش) و با این ترس
 کارگر دستگیر شده با فشاری کارگران دیگر از ماشین بیرون
 آمد و بمریان کارگران بازگشت.

یکی دیگر از کارگران که جزو ضامنندگان قبلی نیز بود و
 قصد دستگیریش را داشتند با فریاد بلند شروع به صحبت کرد: مسرا
 علی وار خواهم سرد! هر کسی که ما را میخواهد همراه ببرد، باید
 بدانند که از روی نمش ما با بید بگذرد. جای من در همین کارخانه
 است! مرا با بدیس از سرگم در جلوی درب و بتل اطلاق نگهبانی
 کارخانه بجا بماند!

... دو نفر از کارگران که به بیورش و هشمانه این افراد به داخل
 کارخانه اعتراض کرده بودند تا آن جزو اعراضها و ضامن
 با داداشت شد. البته این دو نفر تا سه روز بعد که از جبهه جنگ
 به کارخانه آمده بودند.

... خدمت خشم کارگران بختی بود که خیلی ها با وجود فقر و
 بیکاری و فشار مسئولیت خانوادگی نتوانستند این ظلم را
 ببینند و باغوش کردند. از جمله کارگری فریاد میزد: بسا حقیقی
 بدخل کارخانه آمدید؟ مگر ما میگذا ریم که شما هر کاری دلستان
 خواست میکنید و دستان ما را ببرین؟ با این کارگردر همان لحظه
 اول از طرف بسا حمله شد که بقیه کارگران و برادران جنگ
 همین نجات دادند. وی هم از جمله کسانیست که برای بسا
 نیستان دن ماضی میباشد.

... یکی از کارگران با اشاه به قدر دانی بناممداراش (کسی
 گویا مهندسی تحصیل کرده آمریکاست) در کارخانه گفت: مهندس
 مداراشی را که تا دیروز در آمریکا بود و حالا آمده اینجا و ما
 ۲۵ هزار تومان حقوق مفت و مجانی میگیریم چرا اخراج نمیکنید؟
 که همین کارگر متعوض را بقرول خودش به مردم مشغول و زبسان
 درازی (!) جرو لیست اخراجهای آن روز نوشت.

... در اجتهای هجوم پاسداران که آنها فکر میکردند که
 مضافتین مضافت و مضافت نخواهد کرد، وقتیکه دیدند کارگران
 تمام قسمت ها از سالنها خارج و در یکجا جمع شده و شروع به افشا



اخبار کارگری

در آستانه عید کارگری در

کارخانه ایران یوبلین - رشت

چه می گذرد؟

شده و بدنامی با تومبه و دستورگتسی استاندار مینی بر اشتغال کار در سالن این کارخانه مشغول کار شدند، در قسمت کارگری این کارخانه نیز فردی بدنام مدارائی مشغول کار شده است. این شخص نیز که با سفارش کتبی استاندار مشغول بکار شده، کارش فقط لودادن و شناسایی کارمندان و کارگران این کارخانه است و حتی علناً به متقاضیان کارگشته که برای امکان کار باید "فالانز" سودا و هم چنین سارفت و آمدهای مکتوب را باک شریقی سابق کارخانه (و حتی ورود علی بنیجا دیبا ما شین به داخل کارخانه) و هم چنین وجود کمبری در کارخانه و تبلیغات وسیع این امراد سرعلیمه شورای سابق رمننه اجرای این توطئه را آماده نمود. از عوامل دیگری که باعث پادادن به این اعمالند، انحراف سعی از نیروهای سیاسی خصوصاً آنهاست که مستعد بودند "جاسوی بیضی اعلامیه در این کارخانه با بدگرفتنه شود تا خوبیم بخورد" و فعال نبودن امراد سیاسی در این کارخانه برای همه کردن این توطئه در نظر بود. و این امر باعث گردید که این اوبانان قدم بقدم نقشه خود را بجا آورده کنند. با این ترتیب امراد شورای قبلی و سپس افراد مشخصی شناخته شده و بیستام مورد لطف مسئولین جماقداران قرار گرفتند و از کارخانه سسه هشت باکساری ارجاع داده شدند تا اخراج گردند. برای اجرای آخرین برده این سمانش حزب منصور با ازشیح روز دوشنبه ۶۵/۱/۲۴ سیاهوار زده کارخانه سسه با اعتراض کارگران روسرو شد (گزارش گامل آن در خانه ما حرائ کارخانه یوبلین در دنباله همین گزارش آمده است). در این روز یک لجهت ۷۵ نفره تهیه شد و ساس امراد از روز ۶۵/۱/۲۵ تا ۱۰ روز حق ورود سسه کارخانه را ندادند تا وضع شان روشن شود. این نیست نام اکثر کارگران مبارز و احرای را شامل شده که پس از پیروزی بیستام ۲۲ سهم سهمت کارگران و شورای قبلی سه گاربا زگشته بودند. اینها با ممنوعیت ورود برای افراد سسه میرده چند هدف دارند: الف - تمهائی ارساط گذاشتن کارگران جوان و تازه کار که تجربه چندانی ندارند. ب - ایجاد دفرمه و چند دستگی بین کارگران تازه استخدام و کارگران ناغل قدیمی. ج - دستچین و سیاسی و اخراج کلیه کارگرانی که ساکتون نتوانسته اند سیاسی بکنند و هم چنین برای جلوگیری از مبارزات آینده در این کارخانه.

چهارشنبه ۶۵/۱/۲۴ بدستمال هموم با سفاران به این کارخانه (ایران یوبلین) ۷۰ نفر از کارگران که بدستور حبس میسوع الورد شده بودند در این روز از صبح تا عصر تخطیب کارخانه طوی درب ورودی کارخانه اجتماع کرده بودند. در این روز سرکنترل کارخانه سه مهده، با سادارائی که از مزویب آورده شده بودند کدکد شده و همی افراد از ورود کارگران مزبور جلو گیری کسودند.

دوشنبه ۶۵/۱/۲۲ - کارخانه ایران یوبلین رشت: با رد دیگر عوامل و دستجات حزب جمهوری اسلامی در آستانه مراسم بدن اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) رورجهائی کارگر برای جلوگیری از تشکیل کارگران و همچنین ایجاد دفرمه و دستگی در میان کارگران، با حملات و بیستی کارخانه ها بوسیله ساداران و جماقداران و فراخواندن کارگران سارز برای مهاجسه به نیروی آسانی و بیس اخراج، عملاً سادار سادکارگری خود را بنما پی گذارند.

در این رورعه ای با سادار مسلح سادار کارخانه ایران یوبلین هموم آوردند که باعث حشمو اعتراض کارگران قسمتهای مختلف کارخانه شد و کارگران سا عکس العمل سید خود، اتحاد و بگبار چکی خود را نشان دادند.

همراه سیه با سفاران حبسینی رئیس هشت باکساری و اکبرزاده دیبه میسند. اکبرزاده یکی از عوامل اس اوبانان از سه ماه قبل به عنوان شکستیس مکا سیک در این کارخانه مشغول بکار شد و چون قبل از اس کار سبب سادار سستی را داشت از اولین روزهای ورودش شروع به عرض اندام و اجرای توطئه سستی ها سومی و تفرقه انداختن بین کارگران و همچنین دادگستن در سجه مضمومی در کارخانه برای ساسانی سادار سارز و سسرورد میان کارگران بود.

چگونگی اجرای توطئه

شکل تدارک و علت این حرکت - برای سادار سادار "اتحاد شوراهای کیلان" و از سس بودن آثار مبارزات سستی آن "انجمن های اسلامی کارگران کارخانه کیلان" را علم کردند. این "انجمن ها..." که سادار سادار سستی این روزهای پنجشنبه در ساجنمان جهاد سادار سستی رسب سسکیل کرده، ساسام حقه های که به کارگران زدند و سادار سسه و عده های دل حوس - کن اصلا سستمال نگند. سادار سادار سستی کارگران اطر سس همیس انجمن بوسیله خان سس همی این ترماده سادار سس رهبری و هدایت کنند که این شکل هم سسر - بگرمند.

هدف واقعی از تشکیل انجمنها

۱ - شناسایی کارگران سادار در کارخانه ها ۲ - اخراج اس کارگران و آوردن جماقداران زده و خود سروی ساسان (سک نموده آن با اخراج ۲۵ کارگر از بوس حدود ۴۰ سادار اوبانان و جماقدار عرسی محلیه، سادار سادار سستی اس افراد اخراج شده گردند. ۳ - سسکیل "سسه های مشاورت" که در واقع سس سستی کارگران جماقداران است، که در ساسام سسکس سسان برای این "سسه" وظایفی چون سسرسی و سسرسی سسسام گزارش دهی و شناسایی، دگر کرده است.

عوامل و زمینه توطئه

در این کارخانه سسراس عوامل برای سباده کردن اس نقشه از پیش آماده شده وارد عمل شدند. در چند مورد با افراد سسه

در حاشیه: